

حاکمیت ملت

پان ایرانیسم نهضت

ضد استبداد

ضد استعمار

ضد استثمار

سال ششم - شماره ۷۳ و ۷۴ - تیر و مرداد ماه ۱۳۸۳

نشریه داخلی حزب پان ایرانیست

پرسی تو ز من راه نجات مردم
طرح همه پرسی است و یک رفزندوم

ای انگه غمین نشسته ای سردرگم
تهاره آزادی ملک و ملت

در این شماره:

۲۲	مردم می گویند...	۲	پیامی از محسن پزشکیور (بندار)
	بخش هایی از مصاحبه استاد حسن زاده دبیرکل حزب	۴	حکومت ارزشی و فره ریختن همه ارزشها (از دکتر زنگنه)
۲۴	دموکرات کردستان ایران	۵	پشت صحنه سریال مجاهدین خلق (از منوچهر یزدی)
۲۶	بررسی ماهیت و چیستی جمهوری اسلامی (از صفی یار)	۹	تحلیلی بر بیانیه اتحادیه اروپا... (از هومن نیک سرشت)
	دو شعر از مصطفی بادکوبه ای (امید):	۱۰	فشرده ای از تاریخچه نهضت و حزب (از مهندس کرمانی)
۸	آرش مرزهای دانش	۱۵	دوازدهم تیرماه روز بابک خرم دین (از دکتر تیرداد)
۲۹	درفش کاویانی	۱۶	قیام سی ام تیر، قیام ضد استعمار (از دکتر بیدار)
۲۳	خبر های حزبی	۱۸	پان ایرانیست ها می گویند... (از اخگر)
۳۰	اعلامیه های حزبی	۲۱	ایران بزرگ و آینده نگری (از راستی)

سویا لیسم، دموکراسی، برینیاو ناسویا لیسم

به نام خداوند جان و خرد

پیامی از : محسن پزشکیپور (پندار)

پاینده ایران

قطعه نامه ۵۹۸ و جام زهر

توطئه ای عظیم علیه ایران در قلب جهان ضد استعمار

سوم - در راستای این دسیسه ها . امپراتوری منحوس انگلیس که در آن زمان یکی از قدرتمندترین سیاست‌ها پهنی جهان بود با تلا . . و سرسختی هر چه بیشتر در این مسیر اقدام می نمود. گذشته از قدرت امپراتوری انگلیس که پیروزی در جنگ جهانی را نیز به دنبال می کشید ایالات متحده ی آمریکا که در کنار استعمار انگلیس . قدرتمند دوم در آن روزگار می بود به شدت از تمایلات جنبش صهیونیسم حمایت قاطع داشت .

چهارم - دولت ایالات متحده ی آمریکا که عملاً زیر نفوذ صهیونیست ها و نیز عوامل و جریان های دیگر از قبیل فراماسونری می بود در راستای اجرای این برنامه از هیچ اقدامی کوتاهی ننمود به ویژه آنکه ریاست و سمت دومی مجمع اتفاق ملل با نلسون رابینسون رئیس جمهوری وقت آن دولت بود . نلسون در هر کجا که توانست در مسیر اجرای این سیاست . یعنی برپایی دولتی از یهود و اجرای آرمان های جریان فکری و اقتصادی و نظامی "صهیونیسم" گام های مهم و می توان گفت سرنوشت ساز برداشت از جمله آنکه :

۱ - داوری ها و ضرورت حمایت های نظامی و سیاسی و اندیشه ای را به سود دولتی که قرار بود در اسرع وقت بر اساس مصوبات جامعه ی ملل شکل گیرد به گونه ی نوعی اجماع جهانی در آورد.

۲ - بر تمایلات صهیونیست در زمینه های گوناگون از جمله تصرف سرزمین های عرب که سپس نام دولت اسرائیل بر آن گذارده شد و مهر تأیید زد.

۳ - با توجه به اینکه با اندیشه ی دیرین یهود برای تشکیل دولتی از نیل تا فرات و تبدیل دولت مزبور . می بایست هر گونه قدرت و سیاست آزاده و ضد استعمار در منطقه را ریشه کن نماید . شرایط را از هر جهت برای اجرایی کردن این توطئه فراهم نمود .

۴ - از مهم ترین و خشن ترین اقداماتی که در آن زمان صورت گرفت نگه داشتن اعضای هیأت نمایندگی ایران که در پشت درهای بسته ی جلسات شورای جامعه ی ملل بود در نتیجه ی این اقدام مانع از طرح شکایات هیأت نمایندگی ایران برای باز پس گرفتن سرزمین ها و حقوق غارت شده ی ملت ایران طی ۲۰۰ سال گذشته بود. باید توجه داشت در مسیر اجرای این نهضت حق طلب بسیاری از مردم مناطق استعمار شده

هم میهنان ! ایرانیان مبارز و ضد استعمار ! شما مردم ستم کشیده و اما بر پا خواسته برای رهایی از قید و بند و تازیانه های جباران طوطی و ستمگران دهه ها و صدها پیش از این . که اکنون نیز در شرایطی روی سخن من در این پیام و در این برهه از زمان به سوی همه شما و به ویژه خطاب به تمامی اقوام و تیره های قومی و مذهبی وابسته به ملت بزرگ ایران می باشد. بویژه آنکه بار دیگر زخم التیام ناپذیر قبول قطعه نامه ۵۹۸ شورای به اصطلاح امنیت سازمان ملل متحد که در آن ضرورت قبول شرایط در قطعه نامه یزبوراز سوی حاکمیت فرقه ای چوگان نتیجه مقاومتها و پایداری رزمندگان ایران زمین و ازسویی حاکمی از خیانت های حاکمیت فرقه ای و عوامل وابسته به آن می باشد جای بحث و بررسی است که دیگر جریان های اندیشه ای و یا تشکل های به اصطلاح مذهبی و نیز جریان های مدعی مبارزات سیاسی به مانند بسیاری از موارد دیگر هرگز به آن توجه ننمودند بلکه تنها و تنها به نوشیدن کاسه زهر که دستاویز بیانه تسلیم خفت بار در برابر رژیم بعث عراق و سیاستهای حامی آن (در آن شرایط) بودند بسته کردند .

اکنون جای آن دارد به برخی از حوادث و نکات گذشته و حال اشاراتی چند بیان دارم :

یکم - نفوذ و سیطره صهیونیسم . از زمان ها و سده های گذشته در پی آن بود که گذشته از سیاست های جهانی . در مسیر به بند کشیدن ملت ها و اقوام دیگر در این منطقه از جهان به گونه ی آبر قدرت افشای نقش کند . در مسیر چنین اندیشه و توطئه ضد آزادی ملت ها . در پی آن بودند که گذشته از طرح های مربوط به سرزمین فلسطین . با شعار "از نیل تا فرات" تحقق بخشند و سپس به نحوی اقدام نمایند که دولت یهود را که بر اساس اندیشه های صهیونیسم برپا می دارند "حرف اول" را در تمامی "خاورمیانه ی بزرگ" مطرح سازند و عملاً . سکان دار سیاست های منطقه باشند.

دوم - براساس چنین اندیشه ای پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) در اجتماع از دولتهای فاتح جنگ و نیز بسیاری از دول دیگر براساس اعلامیه ی "بالنور" شورای جامعه ملل . با صدور قطعه نامه های متعدد . به لزوم تشکیل دولت اسرائیل مورد تأیید قرار گرفت.

ایرانی تبار . گروه هایی به مجمع اتفاق ملل عزیمت کردند که با خود تومارهایی با هزارها امضا ارائه نمودند نه رئیس فراماسونری مجمع اتفاق ملل (نیلون) و نیز دیگر قدرت های روز . نه تنها به حمایت از حرکت حق طلبانه ی جامعه ی بزرگ ایرانی توجه نمودند بلکه در مسیر در هم شکستن فریاد های این جنبش های جامعه ی ایرانی برخاستند .

پنجم - بنا به مطالب مذکوره ی در بالا گذشته از آنکه اندیشه ی ایجاد دولتی به نام "اسرائیل - از نیل تا فرات" عملا وجهه اقدامات قدرت های استعمار و وابستگان آن ها گردید نتیجه گیری همه ی این دسیسه های بین الملل ، اقداماتی وسیع انجام گرفت از جمله آنکه: ۱- کادراهای وسیع فراماسونری در تمامی دولتهای دنیاوست و قدرت بیشتری را در اختیار گرفتند . تاریخ را بررسی کنید تا دریابید از دولت ایالات متحده گرفته تا دولت مصر - از منطقه "آنانولی" (دولت ترکیه ی کنونی) گرفته تا بقایای دولت ایران - از میان شاهزادگان گرفته تا صاحبان حرفه ها و صاحبان صنایع و مراحل و موارد دیگر . همه جا در اختیار فراماسونری و صهیونیسم بین الملل و پس از آن کادراهای جنبشهای کمونیستی بویژه در جنبشهایی به اصطلاح انقلابی مارکسیسم کمونیسم - همگی در اختیار این طرح شوم قرار گرفتند .

۲- در این مسیر نیروهای وابسته به حرکت های مذهبی دچار نیان و فراموشی شگفت آور شدند و عملا به صورت عوامل اجرای این طرح قرار گرفتند . برای اجرای این طرح یعنی تبدیل بسیاری از حرکت های به ظاهر مذهبی ، به صورت عوامل و قدرت های خطرناک این اقدامات درآمدند نگاه کنید به سرنوشت کسانی چون سید جما الدین اسدآبادی که در مصر فعالیت عمده ای داشت او به عضویت ده لژ فراماسونری درآمد . کسانی چون ملکم به نشر مجله ی "قانون" مبادرت نمود . در این نشریه که به طور کامل در اختیار فراماسونری بود حتی اصطلاحاتی چون "حزب الله" ، "حکومت و یا ولایت مطلقه ی فقیه" و تشکیل مجلس اسلامی و موارد دیگر از این قبیل آمده است که در آن زمان در سطحی وسیع حتی میان شاهزادگان توزیع می گردید و باعث فتنه های بسیار شد .

۳- بدین ترتیب صفی از روحانیت وقت در کنار فراماسونری و برای اجرای برنامه های مزبور بخصوص برای برپایی دولتی از یهودیان صهیونیستها قرار گرفتند و از جمله آنکه در فلسطین سیل مخرب فروش اراضی به سرمایه داری وابسته به "یهود" موقعیت و گسترش بسیار یافت همان شیوه ای که اکنون نیز در بسیاری از مناطق ایران از کرمانشاهان گرفته تا شمال و تادریاها به مرحله ی اجرا درآمده است .

۴- از جمله ی اقدامات عملیاتی و اجرایی که در این زمینه صورت گرفت تشکیل جمعیت "آخوان المسلمین" می باشد که از آن تاریخ به بعد در مسیر اجرای طرح های فراماسونری که بخشی است از طرح های صهیونیسم را به طور مسلحانه اقدام می نمایند . جمعیت اخوان المسلمین ، جمعیت و بازوی بخشی از فراماسونری می باشد . این جمعیت از آن تاریخ تا کنون در تمامی سرزمین ها و در میان اقوام گوناگون از مجریان چنین طرحی هولناک بوده است . نگاه کنید به از هم پاشیدن دولت نیرومند و اسلامی "عثمانی" - نگاه کنید به قتل احمد کسروی (محقق بزرگ) - نگاه کنید به قتل های دیگر از زمامداران دولتهای مختلف جهان در شرایط گوناگون - نگاه کنید به حرکت های جمعیت های چون فدائیان اسلام - جمعیت مولفه اسلامی - نکته مهم این است که در پس همه این اقدامات امپراتوری سابق انگلیس نقش دهنده و حامی آنها است - ایالات متحده آمریکا هم بازوی اجرایی این سیاستها و توطئه ها .

۵- در مسیر چنین سیاست های استعماری و ضد بشری - طرح دوم کوییدن دولت هایی که ممکن بود چونان مانعی برای تشکیل دولت اسرائیل از نیل تا فرات باشد به اجرای برنامه هایی در منطقه و در مجموع در تمامی دولت ها و ملت های واقع شده در خاورمیانه ی بزرگ اجرا گردید که این موضوع هم چنان دنبال می شود . همان گونه که بارها یادآور شده ام برای اجرای طرح های شوم استعماری در این منطقه از جهان با تکیه بر خصوصیت دین باوری مردم به ویژه در جامعه ی بزرگ ایرانی به نبرد پس از کشتار و ویران نمودن فرهنگ و جامعه ی بزرگ ملی مبادرت نمودند .

۶- باید دانست صدور قطعنامه ی ۵۹۸ که دست خیات پیشگان از آن بیرون آمده است مرحله ای از مراحل این طرح شوم می باشد که نمی خواهند تمامی این منطقه قدرتی سوازی قدرت آتی اسرائیل وجود داشته باشند هر اوست روز واقعه (۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) و حوادث پس از آن که نوشیدن جام زهر را از سوی رهبری انقلاب سیاه با خود داشت در مسیر اجرای این سیاست شوم می باشد .

حقیقت این است که ملت ایران ناچار از نوشیدن جامهای زهر شده است اما ، مقاومت می کنیم و نبرد بر شد حاکمیت فرقه ای و دیگر متجاوزین به حقوق ملت ایران را ادامه می دهیم . به هوش باشید که زمان تنگ است و فرصت مبارزه با ننگ کوتاه! ■

تهران - محسن پزشکیپور (پندار)

حکومت ارزشی و فرو ریختن همه ارزش های انسانی در ایران

از: دکتر زنگنه

فراموشی سپردن عهد و پیمان و قول و قرار ها، دروغ گویی و تنبیه، رشوه خواری و فساد مالی و به تمسخر گرفتن بزرگان تاریخی و ملی و حتی مذهبی و بدتر از همه تلاش برای از بین رفتن قبیح و زشتی شکستن ارزش های معنوی به نحوی که حتی اقدامات ضد اخلاقی و ارزشی را زرتنگی و عرضه و واقع بینی تلقی نمایند. سکوت در برابر بیداد و ستم و به اصطلاح نان را به نرخ روز خوردن و نظاهر و ریا، هنر و هوش و روشن بینی تفسیر می کنند و حاکمیت بریده از مردم آنچنان در مسیر تخریب ارزش های اخلاقی و معنوی ملت بزرگ ایران حرکت می کند که گرداندگان و رهروان حاکمیت فرقه ای علیرغم ادعای تلاش برای استقرار حکومت ارزشی در غرقاب سقوط ارزش ها در غلتیده و فرو رفته اند و به مصداق الناس علی دین ملوکهم کل جامعه را با خطر نابودی همه ارزش ها رو به رو کرده اند. حادثه فجیع درگیری دو قهرمان ملی ورزشی ایرانی در برابر چشمان حیرت زده میلیون ها ایرانی، آسپایی و دیگر نقاط جهان نقطه اوج حقارت شرم آوری است که با سقوط همه معیار های اخلاقی زنگ خطر آن برای ملت ایران به صدا در آمده است و می باید کاری کرد کارستان که فردا خیلی دیر خواهد بود و لطمات آن به سختی جبران پذیر است. راستی به نظر شما راه چاره چیست؟

ما راه راست و تنها راه ممکن را برای پرهیز از هرگونه کزروی و بیراهه اندیشی و فرافکنی به شما نشان می دهیم. باید ریشه درد را شناخت و بر اساس واقع بینی و پرهیز از هرگونه به انحراف کشاندن واقعیت و حقیقت اقدام کرد:

تنها راه چاره استقرار حاکمیت ملی از طریق همه پرسی آزاد و به دور از عوامل زر و زور و تزویر برای تعیین شکل و محتوای حکومت آینده ایران است. چرا که حاکمیت فرقه ای بریده از فرهنگ، تاریخ، هویت و ملیت ایرانی سرچشمه و علت اصلی سقوط همه ارزش های اخلاقی و معنوی ملت ایران است. ■

عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی

دردناک ترین حادثه برای هر ملتی به ویژه ملت بزرگ ایران هجوم هایی است که به فرهنگ و ارزش های معنوی آن می شود. هجوم ها و ایلفارهای خون آشامان بیابانگرد در درازای تاریخ پر فراز و نشیب ملت بزرگ ایران، کشتارهای خونین و غارتگری های افسانه مانند آن ها تا آن جا که ارزش ها و هویت ملی ایرانیان را به زیر سوال نبرده اند گذرا و علیرغم تلخی های بسیارشان فراموش شدنی بوده اند ولی هجوم فرهنگی بیابان گردان رذل و بیگانگان فرومایه ای که با خود ارزش ها و معیارهای مبتذل و بازاری به همراه آورده اند روح و معنویت ملت ما را خدشه دار نموده است و خود باختگی فرهنگی و سقوط ارزش های معنوی و فرهنگی ملت ایران را سبب گردیده است و از آن جمله است آن چه که مثلا هرودت پدر تاریخ با مباحثات و افتخار از فرهنگ پست تر مقدونی و یونانی یاد می کند که آری ما هم جنس بازی را به ایرانیان آموختیم! یا شعرای نژاد پرست عصر عباسی به صرف غذا با دست (بر خلاف ایرانیان که با قاشق و چنگال غذا می خوردند) اشاره می کنند و یا به پست شمردن زنان و تبدیل آنان به کالاهایی ملعبه هوسرانی و خودسزی مردان بی مایه و بسیاری دیگر از نشانه های انحطاط فرهنگی و ارزشی که تاریخ آنها را به خوبی می نمایاند. ملت ما که بعد از واقعه بهمن ۵۷ دوباره مورد هجوم فرهنگی بیابان گردان قرار گرفت به یکباره در کنار همه ویرانگری ها و خسران های دهشتناک انسانی و مادی و علمی با تلخ ترین و بیشترین چهره سقوط ارزش های معنوی خود رو به رو گردیده است.

این سقوط ارزش ها در ابعادی وسیع و حیرت انگیز تا بدانجا پیش رفته که همه دستاورد های اخلاقی و معنوی چند هزار ساله ملت بزرگ ایران را نشانه رفته و دامنه ای گسترده از شکستن حرمت و مقام معنوی معلم و پزشک و سایر مشاغل خدمتگزار جامعه گرفته تا حرمت بزرگتران، پدران و مادران و حتی مرجعیت دینی امتداد یافته است. پیمان شکنی و به

پشت صحنه سریال مجاهدین خلق

از: منوچهر یزدی

« سازمان مجاهدین خلق، به آغوش دیگری لغزید...! »

« در انفجار رستوران خوانسالار ۱۹ یکنه کشته شدند...! »

« چرا ترورها هم زمان با جنگ نفت شروع شد...؟! »

هم اکنون که فرار است که به جنایات سازمان مجاهدین خلق در دهه ۱۳۵۰ بپردازیم. آگاه شدیم که رهبران این سازمان در بغداد با مقامات آمریکایی و انگلیسی بتوافقی دست یافته اند و با انتقال به آغوش دیگری تن به مذلتی دیگر سپرده اند...! در این عقد سیاسی قرار شده از مجاهدین خلق سلاح به عمل آید. ارتش آزادی بخش آقایان منحل گردد... و آنها می توانند یا در اردوگاه اشرف در عراق بر زندگی خود ادامه دهند و قوانین عراق را رعایت کرده. تحت حمایت کنوانسیون ژنو قرار گیرند و یا از کیساریای عالی تقاضای پناهندگی برای کشورهای دیگر جهان نمایند...! اطلاع پیدا کردیم. کرد های شرافتمند عراقی با آنکه در زمان صدام حسین از سوی مجاهدین خلق آزار و لطمات بسیار دیده بودند ولی این بار جوانمردی کردند و از اعضای سازمان مجاهدین نزد آمریکاییها وساطت به عمل آوردند تا آنها تحویل مقامات جمهوری اسلامی نشوند...!

همین جالازم است اشاره کنم به دلیل ناکامی های بی در پی دینپاسی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در صحنه سیاست منطقه. دشمنان دیروزی روی یکدیگر را بوسیدند و از در صلح در آمدند تا در فرصتی دیگر برای ملت و کشور ایران مشکلات دیگری بیافرینند...!

گرچه امروز رهبران سازمان مجاهدین خلق بی آبرو تر از آن هستند که بتوانند برای ملت ایران مزاحمت هایی فراهم سازند ولی آنچه که غم انگیز است نوکری و مزدوری رهبران مجاهدین خلق است که نام ایران و ایرانی را در صحنه مبارزات جهانی آلوده می کنند و حرمت و شرافت مبارزات سیاسی را به بهایی اندک می فروشند...!

و اما در شماره قبل که داستان عبرت آموز مجاهدین را آغاز کردیم با تلفن های بسیاری مورد سوال قرار گرفتم که چرا به تاریخچه این سازمان اشاره ای ندارم. برای اطلاع این دسته از جوانان عزیز اشاره می کنم ما قصد نوشتن کتاب نداریم کار ما عبور و گذری سریع از فراز زندگی های سیاسی احزاب و گروه های سیاسی است که در فروپاشی اقتدار ایران دست داشتند بنابراین از عزیزان تقاضا می کنم به آرشیه های سیاسی و کتابخانه های کشور سری بزنند مطالب و نوشته و کتاب پیرامون مجاهدین خلق فراوان است و اجازه بدهند ما زودتر از این وادی حزن انگیز عبور کنیم ولی برای اطاعت از درخواست عزیزان خواننده اشاره ای به این تاریخچه خواهیم کرد:

سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۴ به وسیله شش نفر از اعضای سابق جبهه ملی و نهضت آزادی ایران تأسیس شد. نام های این شش فارغ التحصیل دانشکده روشنفکر... عبارت بودند از: محمد حنیف نژاد - سعید محسن - محمود عسگری زاده - رسول مشکین - فام - علی اصغر بدیع زادگان و احد رضایی... جالب آنکه این سازمان همزمان با تأسیس سازمان فلسطینی "الفتح" که دستاورد سازمان های جاسوسی شوروی بود تأسیس شد. سازمان مجاهدین خلق علت گرایش به مبارزه مسلحانه را اینگونه بیان کردند:

((... پیروزی شکوهمند خلق الجزایر بر استعمار فرانسه پس از ۷ سال مبارزه و دادن بیش از یک میلیون قربانی و مبارزات خلق ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا، عواملی بودند برای پذیرش شیوه جدید یعنی مبارزه مسلحانه!))

این سازمان در آغاز مدت ۵ سال درگیر بحث های ایدئولوژیک بودند و برای ورود در مبارزه مسلحانه نیاز به مکتب داشتند بدین روی پس از مدت ها بحث و جدل موفق شدند اسلام را با مارکسیسم و خدا را با مارکس آشتی دهند و نام این اقدام سفیهانه را مکتب گذاردند...!

در سال ۱۳۴۹ که چریک های فدایی خلق ماجرای سبانهل را آفریده و به دست مردم محل دستگیر گردیدند مجاهدین خلق برای آنکه از حریف سیاسی عقب نمانند به بحث های سیاسی خاتمه داده و تصمیم گرفتند خودشان را به اردوگاه فلسطین برسانند تا آداب رزمی و شیوه برادر کشی و تخریب و انهدام منابع اقتصادی کشورشان را بیاموزند و الحق که درس ناجوانمردی و پنجه بر چهره ملت کشیدن را از اعراب فلسطینی به خوبی آموختند...!

با این هدف سازمان، واحدی را تشکیل داد به نام "واحد تدارکات و اطلاعات". این واحد کارش تهیه مواد منفجره - تهیه لوازم تایپ و چاپ و اجاره خانه و خرید اتومبیل برای اجرای عملیات خرابکارانه و تشکیل گروه های الکترونیک، شیمی و مواد منفجره و نیز شناسایی عوامل نیروهای انتظامی و امنیتی.

این واحد برای اعزام اولین گروه به اردوگاه فلسطین دست به کار شد و تعدادی شناسنامه و گذرنامه جعلی فراهم دید تا عده ای روشنفکر دانشکده دیده را برای آموزش خرابکاری به اردوگاه های جهنمی ضد

ایرانی بفرستند!! با عملیات هوایما ربایی و جعل اسناد دولتی چند تن موفق شدند به اردوگاه راه بایند و در عملیات نظامی فلسطینی ها علیه ارتش اردن شرکت نمایند ..

آنچه که در اردوگاه آموختند . عملیاتی ضد انسانی - بی شرمانه و مغایر با منافع و مصالح ملت ایران بود و این روشنفکران سیاسی با کسب خوی حیوانی به کشور بازگشتند و به انواع جنایات دست زدند تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ساواک با شناسایی کامل آنان اقدام به یک حمله سراسری نمود. عده ای در دوگیری کشته و جمعی دستگیر شدند و به اتهام جعل اسناد دولتی - هوایما ربایی و انتقال اسلحه قاچاق به داخل کشور و اعمال خرابکارانه محاکمه شدند. از این عده ۱۴ نفر به مرگ محکوم شدند که مسعود رجوی هم در میان آنها بود ولی با استفاده از عفو پادشاه ایران از مرگ نجات یافت. علت نجات مسعود رجوی آن بود که وی در مدت بازجویی همکاری های فراوان با ساواک کرد و عده زیادی از دوستان اش را لو داد و حتی در آرام کردن اعتصاب ها و همراهی ها با مأمورین نهایت همدلی را با ساواک داشت از سوی دیگر برادرش کاظم رجوی که در زونو برای مقامات امنیتی سفارت ایران کار می کرد طی نامه ای به تیمسار نصیری به خدمات خودش اشاره کرد و تقاضای عفو مسعود را نمود. در نتیجه ارتشبد نصیری نامه ای به ریاست اداره دادرسی نیروهای منحل شاهنشاهی (دادستانی) در سال ۱۳۵۱ نوشت. در این نامه آمده است:

((... در باب مسعود رجوی فرزند حسین - نامبرده بالا که در دادگاه تجدید نظر نظامی به اعدام محکوم گردیده . بعد از دستگیری در جریان تحقیقات : کمال همکاری را در معرفی اعضای سازمان مکشوفه بعمل آورده و اطلاعاتی که در اختیار گذارده از هر جهت در روشن شدن وضعیت شبکه مزبور موثر و مفید بوده . پس از تحقیقات نیز در داخل بازداشتگاه همکاری های صمیمانه ای با مأمورین به عمل آورده - لذا به نظر این سازمان استحقاق ارفاق و تخفیف در مجازات را دارد ..)) این نامه به حضور شاهنشاه تقدیم شد و مورد عفو قرار گرفت و از مرگ نجات یافت . مسعود رجوی همیشه از فرصت ها استفاده کرده و برای نجات خود دوستانش را به صلخ فرستاده است و هم اکنون نیز در خانه ای نزدیک فرودگاه بغداد در کنار همسر و یاران نزدیکش زندگی مرفه را می گذراند ولی اعضای سازمان در اردوگاه اشرف یکی بر سر خود و یکی بر سر روزگار می زدند و راه فرار ندارند!! دستگیری و محاکمه مجاهدین واکش های زیر را در بر داشت که نگاهی به آن به منظور تحلیل وقایع خالی از لطف نیست!! از استان فارس آقایان آیت الله بهالدین محلاتی - محمود علویان - حسین الحسینی - عبدالحمین

دستیب - سید محمد امام - صدرالدین حایری - محمد کاظم موسوی و آیت اللهی به عنوان علمای فارس نامه ای خطاب به آیت الله میلانی نوشتند . در این نامه آمده بود :

((... عده ای از جوانان مسلمان مجاهد که جزانگیزه دینی و جهاد در راه اسلام عزیز دایمی دیگرند اشتد به عناوینی در محاکم نظامی محاکمه و حکم اعدام درباره آنان صادر شده است اینها حافظ و قاری قرآنند و در این روزگار تاریک مبلغ اسلامند . همه جوانند . اهل نمازند !! جبهه ملی در خبرنامه خرداد ۱۳۵۱ نوشت : ((... روز عاشورا در حین ارشاد نظاهرات می شود و تراکت هایی بخش می شود که روی آن نوشته شده بود ملت فهران مسلمان برای نجات مجاهدین خود به پا می خیزد!!))

روحانیون مرفی قم طی اعلامیه ای نوشتند :

((... جوانان دینداری که اکثرشان حافظ قرآن و نهج البلاغه و روایت اهل بیت بوده و هستند به جرم حق گوئی و دفاع از مردم یکی پس از دیگری ربه جوخه های اعدام بسته و تیرباران میکنند. هم اکنون زندانها و تبعیدگاههای حکومت آدم کش ایران پر است از جوانان آزادبخواه و غیور که بیشترشان تحصیل کرده دانشگاههای بزرگ جهانند!!))

حوزه علمیه قم نیز به اظهار نظر پرداخت و طی اعلامیه ای نوشت:

((... رزمندگان با ایمانی چون حنیف نژاد ها - سعید محسن ها - بدیع زادگان ها - ناصر صادق ها - باکری ها از بنیانگزاران سازمان مجاهدین خلق ایران را اعدام کردند. رزمندگان مجاهدی را شهید ساختند که اصالت های فکری اسلامی و دید صحیح و انقلابی از قوانین از قوانین آزادی بخش قرآن تعیین کننده جهت آنان بود!!

روحانیون مبارز خارج از کشور در قطعنامه ۵ فروردین ۱۳۵۲ اعلام داشت:

((... مایشیانی کامل خود را از جنبش مسلحانه خلق خویش اعلام داشته به پیروزی نهایی آنان ایمان داریم)) ملاحظه می فرمایید که فریاد اعتراض همه گروه های مذهبی - بدون توجه به عواقب اعمال تروریستی یک گروه سیاسی وابسته - چقدر می تواند افکار عمومی را گمراه کند.

قیاحت آنچه که سازمان مجاهدین انجام داده بودند از نظر مقامات مذهبی پنهان نبود ولی باز هم حقیقت را کتمان کردند.

به عنوان مثال آیت الله طالقانی از جزئیات اقدامات مجاهدین با اطلاع بود. معذک ضمن تأیید آن ها . از آیت الله خمینی کتبا خواست که مجاهدین را مورد عنایت قرار دهد.

ابن ماجرا را مسعود رجوی در مصاحبه با مجله آفریقا - آسیا - تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۸۲ فاش کرده می گوید: ((... دومین گروه که موسی

اند از آنان کناره گرفتیم... ولی واقعیت امر این است که جدایی مجاهدین از بدنه روحانیت زمانی به طور جدی انجام شد که مسمود رجوی و دار و دسته اش از حکم پدر طالقانی تبعیت کرده و ادعای اداره کشور و ریاست جمهوری را داشتند و بقیه را به حساب نمی آوردند - در نتیجه داستان پر ماجرای حذف آنان آغاز شد...

و اما در خارج از ایران یکی از کسانی که سنگ مخالفان رژیم شاه را به سینه می زد نویسنده مرموزی بود بنام فردهالیدی که کتاب دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران نوشته ایشان در ایران به چاپ رسیده است... آقای هالیدی نگاه تحسین آمیزی به تروریست های مجاهد و فدایی و اسلامی دارد... ولی گزارش هایش و آمار های این کتاب صحیح است - او در این کتاب می نویسد:

((... عمده ترین فعالیت های فدائیان و مجاهدین را می توان در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ چنین خلاصه کرد: ... انفجار بمب - حمله به بانک ها - حمله به کلاتری ها و ترور سیاسی ...

مجاهدین ژنرال طاهری افسر شهربانی را به قتل رسانیدند و چند آمریکایی را که در ایران کار می کردند از پای در آوردند - دو سرهنگ نیروی هوایی آمریکا را در مه ۱۹۷۵ و سه آمریکایی غیر نظامی را در اوت ۱۹۷۶ به قتل رسانیدند ... به نظر می رسد که تعداد برخورد های مسلحانه و عملیات چریکی انجام شده در دست نیست ولی طبق آمار دولتی از فوریه ۱۹۷۱ تا اوت ۱۹۷۶ روی هم رفته ۵۵ نفر از مأموران دولتی در برخورد با چریک ها کشته شده اند...))

کشته شدن ۵۵ مأمور دولتی و تعداد زیادی افراد بی گناه دیگر که در انفجارها به قتل رسیدند - هرگز سرو صدایی در ایران ایجاد نکرد و احزاب و گروه های سیاسی و حتی مذهبی از قتل عام مردم بی گناه سخنی بر زبان نیاوردند و فتوایی ندادند... ولی از آنجایی که جهان هستی صاحبی دارد همه آن ها که در پای این سفره خونین از خون بیگناهان نشسته بودند، از مجازات معصوم نماندند... و ما شاهد جنگ گسترده مجاهدین با یاران دیروزی اش بودیم و هستیم، ترورها و اعدام های انقلابی خون بهای، خون های بناحق ریخته شده بود!

اما نکته قابل توجه اینکه، فشار تروریست ها از زمانی آغاز شد که پادشاه ایران جنگ نفت را با شرکت های نفتی آغاز کرد ... سال ۱۳۵۰ که جنگ مسلحانه گروه های روشنفکر سیاسی از نهضت آزادی گرفته تا فدائیان خلق آغاز شد سال تنش های جدی بین محمدرضا شاه از یک سو و کارتل های نفتی از سوی دیگر برای بالا بردن سهمیه نفت ایران - بالا بردن قیمت نفت - تشکیل اوپک و بالاخره خلع ید از کنرسیوم بود ... شاید لازم باشد یک بار مذاکرات

خیابانی جزو آن ها بود و قرار بود به ما پیوندند (مقصود قرار گاه فلسطینی است) در دویس دستگیر شدند و من مجبور شدم فوراً به دویس برگردم. من حامل نامه ای از رئیس نیروهای الماصفه یعنی شخص عرفات بودم (این نامه برای شیخ دویس نوشته شده بود) و بایستی به ترتیب که می شد هفت نفر هم رزم را آزاد کنم... با کمک فلسطینی ها بود که آن ها (هوایما ربایان) توانستند از بغداد به بیروت بروند. از طرفی ما هم با پدر طالقانی تماس گرفتیم و از او خواستیم که نامه ای به خمینی بنویسد و از او بخواهد که در این مورد کاری بکند. به خاطر دارم که پدر طالقانی را به خارج از شهر بردیم و وی در داخل اتومبیلی که در کنار جاده متوقف شده بود پیام صمیمانه ای به خمینی نوشت و از او خواست که نزد مقامات عراقی به نفع ما کاری بکنند...))

در این مورد بعدها در سال ۱۳۵۹ - حجت الاسلام دعایی طی مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۳۱۷، ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۹ گفت:

((... زمانی که روابط شاه با رژیم عراق تیره شده بود سه مرتبه وزمندگان ایرانی! هوایماهای ایرانی را مجبور کردند که در عراق بنشینند. سومین هوایما که از دویس عازم بندرعباس بود ۹ سرنشین داشت که موسی خیابانی و سمید مشکین فام و حسین روحانی از سازمان مجاهدین جزو آن عده بودند...))

بنا به توصیه آقای طالقانی این افراد مورد حمایت آیت الله خمینی قرار می گیرند که در مصاحبه آقای دعایی به طور کامل آمده است. باید اضافه کنم که دعایی مترجم عربی آقای خمینی در عراق بود و نزد ایشان زندگی می کرد.

یکی دیگر از کسانی که مجاهدین را مورد حمایت قرار می داد آقای هاشمی رفسنجانی بود - در کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران نوشته سید جلال الدین مدنی (وزیر دفاع بازرگان) در جلد دوم این کتاب به نقل از شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی در پانویس صفحه ۲۱۸ آمده است: ((... ما روحانیون از فعالیت مجاهدین خوشحال بودیم که تشکیلاتی دارند - ما در مدرسه رفاه کار می کردیم و از طریق همسر حنیف نژاد که در آن مدرسه کار می کرد در جریان کار آن ها بودیم - به خاطر کمک به آن ها نامه ای به امام نوشتم و وسیله سحابی فرستادم. در پاریس لو رفت. ما را دستگیر کردند. مهندس سحابی و توسلی اعتراف کردند ولی من قبول نکردم و پس از مدتی آزاد شدم...))

بنابراین روحانیون در تمام دوران فعالیت مجاهدین از آن ها حمایت کردند تا انقلاب فرا رسید پس از انقلاب بر اثر جنگ قدرت، هر یک از آقایان به انکار حمایت هایشان پرداختند و حداقل آن که می گفتند پس از آن که فهمیدیم مجاهدین در مسیر التقاطی مارکسیست ها افتاده

« آرش مرزهای دانش »

سروده و تقدیمی: مصطفی یادکوبه ای (امید)

پیشکش به هموطنان مهاجر فرهیخته ای که در سراسر جهان در عرصه های علمی و فرهنگی درخشانند.

ای مرغ مهاجر سرافراز	وی هموطن بلند پرواز
ای زاده سرزمین ایران	پرورده دامن دلیران
ای نسل فرانک و فریدون	موج ارس و خروش کارون
ای پیک نژاد آریایی	وی فاتح قله رهایی
دل راچو خمود و خسته دیدی	بال و پر خویش بسته دیدی
در سر موس پریدنت بود	از کنج قفس رهیدنت بود
رفتی و چه آگهانه رفتی	با پاک ترین بهانه رفتی
رفتی که سرود عشق خوانی	در حرست زندگی نمائی
رفتی که بیایی و بیویی	میدان تلاش تازه جویی
رفتی که به اوج سرفرازی	هنگامه دیگری بسازی
از مرز وطن اگر گذشتی	بیگانه بی وطن نگشتی
در دست تو پرچم صفا بود	فرهنگ نژاد آریا بود
تو آرش روزگار مایی	آینه اقتدار مایی
ای آرش مرز گستر ما	در عرصه علم یاور ما
بر قله دانش جهانی	بنشان تو درفش کاویانی
بگذار جهانیان بدانند	وز چشم تو این سخن بخوانند
زنده است همیشه نام ایران	در پرتو علم و عشق و عرفان
ایران وطن بزرگمهر است	خورشید همیشه سپهر است
دامان پر از ستاره دارد	آتشگه پر شراره دارد
خوارزمی و بوعلی اش دیدی؟	فارابی و رازی اش شنیدی؟
اینک تو و قله های دانش	گنجینه پر بهای دانش
تا بار دیگر به لطف یزدان	آیی تو به سوی مهد ایران
با عشق و امید سرفرازیم	وین کاخ شکسته را بسازیم

کنفرانس تهران را که با حضور وزرای نفت کشورهای اوبک تشکیل شده بود برای اطلاع جوانان بنویسیم تا بدانند که رویداد های دهه ۱۳۵۰ به بعد حول محور نفت بود و پس ...!

و جالب آنکه این افراد با این اعمال و رفتارشان مورد حمایت و عنایت آقایان بازرگان ها و طالقانی ها و آیات عظام در ایران و نجف و قم بودند... فقط به هنگام پیروزی انقلاب و سوار شدن به خر مراد بود که اعمال و رفتار این سازمان افشا شد تا از صحنه قدرت رانده شوند...!

روزهایی که مجاهدین خلق دکل های برق و پل دزفول را منفجر می کردند .. زمانی که این جوانان تحصیلکرده دانشگاهی و روشنفکر . رستوران خوانسالار را با عده ای بی گناه مرد و زن منفجر نمودند و ۱۹ انسان را خاکستر کردند. هیچ مسلمانی صدای اعتراض اش بلند نشد.

زمانی که دختران و زنان روشنفکر سیاسی در خانه های امن مجاهدین حمله می شدند و سقط جنین می کردند و یا فرزندان شان را در بیمارستان های تهران وضع حمل می کردند... صدای اعتراض هیچ مسلمان مبارزی در نیامد و به این همه فضاحت و بی آبرویی و سنت شکنی و اعمال نامردانه معترض نشدند بلکه بکنس به دستور آقای طالقانی و مهندس بازرگان . بازاری ها موظف شدند وجوهات شرعی را به این عده جوان بی بند و بار و انار گسیخته بدهند تا نوکری اجانب را بهتر انجام دهند ...!

مجاهدین خلق برخلاف فدائیان خلق از لحاظ اخلاقی بسیار آلوده دامان بودند زیرا در بین چریک های فدایی خلق که با اسلام فاصله داشتند حتی یک مورد روابط نامشروع بین دختران و پسران دیده نشد ولی در بین مجاهدین خلق که ادعای پیروی از مکتب علی علیه السلام و دین اسلام می نمودند و از دکتر شریعتی ها . شریعت جدید اسلامی را فرا گرفته بودند حتی یک مورد یافت نشد که بین مردان و زنان شان روابط نامشروع وجود نداشته باشد و کارشان به حاملگی و سقط جنین نکشد...! آقایان مراجع تقلید و روحانیت ایران چشم بر اعمال مجاهدین بستند و روزی چشمهایشان را گشودند که لوله اسلحه آنها متوجه خودشان شده بود.. و داس مرگ فرزندان انقلاب دینی ایران را مرتب درو می کرد .. انفجار نخست وزیری و حزب جمهوری اسلامی و صدها ترور شخصیت های سیاسی و مذهبی . آقایان را از خواب غفلت بیدار کرد و آنگاه دانستند که نوچه های آقایان بازرگان و طالقانی و دکتر شریعتی و دست آموزهای عرفات و صدام تا چه اندازه می توانند برای استقلال کشور و اقتدار ملت ایران خطرناک باشند.

تا شماره آینده که بقیه حوادث پشت صحنه یعنی خانه های امن را خواهیم نوشت. خداحافظ ■

همه با هم به پیشواز پانزدهم شهریور

ماه روز بنیاد مکتب پان ایرانیسم ■

می رویم.

تحلیلی بر بیانیه ی اتحادیه ی اروپا در مورد جزایر سه گانه ی همیشه ایرانی

از: هومن نیک سرشت

۵- حضور آمریکا در منطقه و به تبع آن تحت فشار قرار دادن ایران به منظور منزوی ساختن ایران در منطقه ی خلیج فارس. موجب نزدیکی بیش از حد حکومت جمهوری اسلامی به اتحادیه ی اروپا شده است. در میان کشورهای اروپایی بر خلاف ژست های سیاسی خود. با دامن زدن زیرکانه به اختلافات در منطقه. ضمن انعقاد قراردادهای سنگین اقتصادی و تسلیحاتی با کشورهای منطقه نوعی احساس نیم بودن نسبت به این کشورها را به وجود آورده اند که تجلی آن در بیانیه ی مشترک ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳ می باشد که حاوی اشتباهات صمدی حقوقی و سیاسی متعدد است. با توجه به اینکه ایران وجود اختلافات میان خود و امارات را نپذیرفته و این مسائل را صرفا ادعاهای واهی و غیرقانونی امارات نسبت به خاک خود می داند. اتحادیه اروپا سعی دارد تا با اشاره به مواردی چون لزوم حل اختلاف میان ایران و امارات متحده عربی. پیشنهاد میانجیگری اروپا و پیشنهاد ارجاع اختلاف به مراجع بین المللی در این بیانیه مشترک. به این ادعاها جنبه حقوقی و مشروعیت داده و این امر به معنای تأیید رسمی ادعاهای غیر قانونی ابوظبی نسبت به سرزمین ایران می باشد.

۶- طبق این اصل در روابط بین الملل که قرارداد میان دو دولت حق و مسئولیتی برای کشور ثالث ایجاد نمی کند. تفاهم نامه ی ۱۹۷۱ ایران و شارجه در مورد جزیره ی ابوموسی نیز سندی رسمی است که به هیچ دولت دیگری اجازه دخالت نمی دهد دو جزیره ی تنب بزرگ و کوچک هم براساس توافق غیر مکتوب با بریتانیا به ایران بازگردانده شده اند چراکه از نظر دولت وقت ایران هرگونه توافق مکتوب ممکن بود در مورد حاکمیت و مالکیت مطلق ایران بر این دو جزیره جای تردید باقی بگذارد و همه ی موارد فوق مورد تأیید دولت وقت بریتانیا بوده است بنابراین اتحادیه ی اروپا و شورای همکاری خلیج فارس با صدور این بیانیه در امور داخلی کشور ما مداخله نموده اند.

لازم به ذکر است بعد از توافق میان ایران و شارجه و اعمال حاکمیت ایران بر جزایر. چند کشور تندرو عربی نظیر لیبی. عراق و... در دسامبر ۱۹۷۱ از ایران به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کردند که شورای امنیت با بررسی پرونده. آن را مختومه اعلام کرد.

۷- اتحادیه اروپا. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب باید آگاه باشند که با اتخاذ مواضع خصمانه و با زیر سوال بردن موجودیت جغرافیایی و سرزمینی کشور ایران. خود را مستقیما در مقابل ملت ایران قرار داده اند و با توجه به حساسیت ملت بزرگ ایران نسبت به یکپارچگی ملی و سرزمینی و تمامیت ارضی ایران. در آینده ای روشن و با وجود حکومتی باانتدادموانع منافع ملی باید پاسخگویی این ادعاهای نامشروع و این گونه اقدامات خصمانه علیه ملت بزرگ ایران باشند. (ادامه در صفحه ۲۵)

اقدامات اخیر اتحادیه اروپا در صدور بیانیه مشترک با شورای همکاری خلیج فارس (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۱۷ مه ۲۰۰۴) در مورد جزایر ایرانی ابوموسی. تنب بزرگ و کوچک. نقض آشکار حاکمیت ملی و دخالت در امور داخلی ایران می باشد که متأسفانه همانند موارد مشابه دیگر با عدم برخورد مناسب و قاطع وزارت خارجه جمهوری اسلامی مواجه شده است.

در مورد این بیانیه مشترک توجه به موارد زیر ضرور است:

۱- جزایر ابوموسی. تنب بزرگ و کوچک از هزاره دوم قبل از میلاد تا کنون جزو قلمرو حکومت های ایرانی بوده و در حاکمیت و مالکیت تاریخی ایران بر این جزایر تردیدی نمی باشد. همچنین وجود اسناد جغرافیایی فراوان از قرون و اعصار گذشته و در دسترس بودن ۲۳ نقشه رسمی و نیمه رسمی که توسط دولت بریتانیا در سده های ۱۸ و ۱۹ تهیه شده. نشانگر این حقیقت است که جزایر فوق الذکر در درازای تاریخ به ایران تعلق داشته است.

۲- اگرچه استعمار بریتانیا در اوایل قرن بیستم این جزایر را اشغال و به امارات و قبایل عرب تحت الحمایه خود در سواحل جنوبی خلیج فارس سپرد اما دولت های مرکزی ایران هیچگاه این اشغال نظامی را تأیید نکرده و همواره در تلاش برای بازپس گیری این جزایر بوده اند. در پی کوشش های هماهنگ وزارت خارجه. دولت و شاه در نظام گذشته. سرانجام در سال ۱۹۷۱ میلادی جزیره های تنب بزرگ و تنب کوچک پی گفتگو و مبادله هرگونه سندی به ایران بازگردانده شدند و حاکمیت ایران بر جزیره ابوموسی نیز طبق تفاهم نامه توامبر ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه به رسمیت شناخته شد؛ بنابراین از لحاظ حقوق بین المللی نیز این جزایر در مالکیت ایران می باشند.

۳- جزایر ابوموسی و تنب به علت نزدیکی به تنگه هرمز. قرار گرفتن در زنجیره دفاعی و امنیتی ایران. گسترده شدن آبهای سرزمینی ایران در فواصل بین این جزایر تا ۱۲ مایلی جنوب ابوموسی و واقع شدن این جزایر در مسیر بین المللی ترده کشتیها از اقیانوس هند به خلیج فارس و بالعکس. دارای اهمیت استراتژیک فوق العاده برای ملت ایران می باشند.

۴- شورای همکاری خلیج فارس که در زمان انعقاد تفاهم نامه ی ایران و شارجه هنوز تشکیل نشده بود. امروز از لحاظ حقوق تاریخی و بین المللی نمی تواند ادعایی در مورد جزایر ایرانی داشته باشد. اتخاذ مواضع خصمانه توسط این شورا ناشی از ماهیت نژاد پرستانه و ضد ایرانی برخی از عرب های این شورا است. لازم به ذکر است که "المطیه" دیرکل فطری تبار این شورا در موارد متعدد گرایش های تند پان عربیستی و ضد ایرانی خود را نشان داده است که نمونه ی آن استفاده از نام جعلی خلیج عربی به جای خلیج فارس در نشست وزرای خارجه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در نهران و در حضور مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی بود که البته با کوچکترین واکنشی از جانب آنان رو به رو نشد.

پاینده ایران

جایی دیگر از جزوه

"فشرده ای از تاریخچه نهضت و حزب پان ایرانیست"

نوشته مهندس رضا کرمانی

مقدمه ای کوتاه درباره این نوشتار:

هم مبین

نهضت پان ایرانیست شصت و دو سال است مبارزه در راه وحدت و بزرگی ایران زمین را آغاز کرده است.

مکتب پان ایرانیست به صورت جلوه تشکیلاتی نهضت پان ایرانیست از پانزدهم شهریور ۱۳۲۶ بنیان گذاری و تا پایان شهریور ماه ۱۳۳۰ به کوشش ادامه داد.

حزب پان ایرانیست جهت پرورش نیروهای اداره کننده کشور از دی ماه سال ۱۳۳۰ بر بنیاد مکتب پان ایرانیست شکل گرفت.

این جزوه شما را با فشرده ای از گذشته و مبارزات حزب پان ایرانیست آشنا می سازد. باشد که در راه ایرانی بزرگ و آباد و آزاد با نظامی شایسته ملت بزرگ ایرا و حکومتی ایران پرست و آرمانخواه دست در ست یکدیگر بگذاریم.

پاینده ایران

فشرده ای از تاریخچه نهضت و حزب پان ایرانیست

داریوش همایون - حسن غفوری - هوشنگ حق نویس در شاخه نظامی و محمدرضا عاملی تهرانی - حسنعلی صارم کلالی و حسین خان مصدق در سازمان خارجی انجمن نام برد. در پانزدهم اردیبهشت ۱۳۲۵ هنگامیکه محسن پزشکیور و داریوش همایون در تبه های امیر آباد (خوابگاه دانشجویان فعلی) به دنبال نارنجکهای بازمانده از کمپ اشغالگران در آن نقطه بودند پای داریوش همایون به روی مین رفته با انفجار آن داریوش همایون مصدوم و توسط پزشکیور به بیمارستان سینا رسانده می شود و هنوز هم پای داریوش همایون می لنگد. در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۲۵ هنگامیکه علیرضارنیس سرگرم آماده ساختن نارنجکی برای استفاده علیه بیگانه پرستان و عاملان سرشناس کشورهای بیگانه در ایران بود نارنجک متجزو بدن علیرضارنیس قطعه قطعه میگردد. مزاررنیس در باغ طوطی عبدالعظیم هنوز زیارتگاه افراد پان ایرانیست می باشد. (صورتی سیصد نفره از نوکران بیگانه توسط افراد انجمن تهیه گردیده بود.)

۴- علی نقی عالیخانی - بیژن فروهر - عاطفی نیا و سید حسین طبیب متهمین ردیف ۱ تا ۴ پرونده شهادت علیرضا رنیس بودند که عالیخانی مسئول انجمن - بیژن فروهر مسئول شاخه نظامی (ر) انجمن و عاطفی نیا و حسین طبیب هم کلاس ها و دوستان

۱- در شهریور ماه ۱۳۲۰ هنگام اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه انگلیس و روس و آمریکا و عبور تانک های شوروی از خیابان های تهران در محل پل چوبی تهران سر کوچه اسباب بادی (نزدیک به میدان فوزیه یا امام حسین فعلی) چند نوجوان با سنگ تانک ها را مورد حمله قرار دادند.

این نوجوانان عبارت بودند از: محسن پزشکیور - محمدرضا عاملی تهرانی - ابوالقاسم پورهایشمی - پرویز صفیاری - فرید سیاح سپانو - مهدی بهره مند و چند تن دیگر که نام نشانی از آنان در دست نداریم.

۲- این جوانان پس از ورود به دبیرستان پایه کوشش های مبین پرستانه را نهاده و با نام های انجمن ایران دوست - جویندگان رستاخیز ملی ایران - نهضت محصلین و ... به همراه گروه دیگری از جوانان وطن پرست دست به مبارزه زدند.

۳- در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ همزمان با توطئه جدایی آذربایجان گروهی از این جوانان دست به تشکیل سازمانی به نام انجمن به گونه زیرزمینی و همراه با خشونت زدند. از افراد سرشناس انجمن می توان از محسن پزشکیور - علی نقی عالیخانی - بیژن فروهر - علیرضا رنیس - جواد نقی زاده -

۹- از دی ماه ۱۳۳۰ (هفدهم دی) حزب پان ایرانیست تشکیل و روزنامه ندای پان ایرانیسم از چهارم دی ماه ۱۳۳۰ تا روز بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ سخن گوی آن بود.

۱۰- مکتب پان ایرانیسم و سپس حزب پان ایرانیست از هنگام آغاز مبارزات ملی و جنبش ملی شدن صنعت نفت در صف اول مبارزه با بیگانگان و بیگانه پرستان و در گروه حامیان دکتر مصدق قرار داشت تا آنکه حکومت دکتر مصدق در مرداد ماه ۱۳۳۲ ساقط شد.

در روز قیام ملی ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱ هوشنگ رضیان از حزب پان ایرانیست به شهادت رسید. (مزار او در ابن بابویه در کنار شهدای ۳۰ تیر ماه می باشد).

۱۱- پس از سال ۱۳۳۲ فعالیت حزب غیر آشکار و با انتشار نشریه های پندار- نسل جوان و تیز از سال ۱۳۳۹ تا سیونالیسم نشریه دانشجویان پان ایرانیست در اروپا مبارزات خود را پی گرفت.

۱۲- در سال ۱۳۴۱ حزب پان ایرانیست تنها حزب ملی بود که به لوابح شش گانه و به ویژه برنامه اصلاحات ارضی و آزادی زنان رأی مثبت داد.

۱۳- حزب پان ایرانیست از سال ۱۳۴۴ با انتشار روزنامه خاک و خون و آغاز کوشش های آشکار تلاش های میهن پرستانه خود را ادامه داد که تا پایان سال ۱۳۴۸ خاک و خون مبارزات سودمندی را به ویژه در دفاع از کردها انجام داد و نیز در بازتاب خواسته های مردم بحرین و ایرانیان کرانه های جنوبی خلیج فارس اهتمام ورزید.

۱۴- در سال ۱۳۴۶ با فرستادن پنج نماینده به مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم حزب پان ایرانیست به کوشش های گسترده تری دست زد. نمایندگان پان ایرانیست از شهرهای خرمشهر (محسن پزشکیور) - مهاباد (محمد رضا عاملی تهرانی) - رضایه (دکتر اسماعیل فریور) - قم (دکتر فضل الله صدر) و رودسر (دکتر هوشنگ طالع) انتخاب شدند.

۱۵- به سبب مخالفت حزب پان ایرانیست به طرح جدایی اندوهبار جزایر بحرین و استیضاح دولت هویدا توسط گروه پارلمانی پان ایرانیست در مجلس شورای ملی برای چند سال (تا سال ۱۳۵۲) افراد حزب و فعالان آن مورد اذیت و آزار

نزدیک علیرضا رئیس در سال ششم دبیرستان البرز تهران بوده و حدود یک ماه در بازداشت به سر بردند.

۵- به دنبال شهادت علیرضا رئیس توسط محسن پزشکیور متنی بنام فرمان رئیس نوشته می شود که نام جنبش ابرانپرستان و افراد انجمن رابه پان ایرانیسم که یک جنبش سیاسی و یک آرمان ملی است بیان می دارد. (قبلا در مجله آینده و توسط مرحوم دکتر افشار این کلمه به صورت یک عنوان فرهنگی به کار رفته بود).

۶- مکتب پان ایرانیسم در روز ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ بنیانگذاری و پان ایرانیست ها از این تاریخ رسماً پای در راه مبارزات ملی - ناسیونالیستی و پان ایرانیستی می گذارند.

۷- پس از شهادت علیرضا رئیس و نوشته شدن فرمان رئیس محسن پزشکیور کتاب ما چه می خواهیم را می نگارد.

۸- در دوران مکتب پان ایرانیسم مبارزات پان ایرانیست ها در دبیرستان ها و دانشگاه تهران گسترش بسیار می یابد که علیه حزب نوده قویترین حزب حاضر در صحنه مبارزات آن زمان که ضمناً آشکارا وابستگی خود را به روس ها اعلام می کرد دست به مبارزات پر دامنه ای می زنند.

کتابهای ما چه می خواهیم توسط محسن پزشکیور بنیاد مکتب پان ایرانیسم تنظیم شده توسط محسن پزشکیور - محمدرضا عاملی وعلینقی عالیخانی در فروردین ماه ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ چاپ و منتشر می گردد. روزنامه ساسانی به مدیریت صادق بهداددر سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ ناشرانندیشه وارگان مکتب پان ایرانیسم بود. از پان ایرانیست هایی که در مکتب پان ایرانیسم کوشش داشتند می توان افزون بر بنیانگذاران انجمن و مکتب پان ایرانیسم از افراد سرشناس زیر نام برد.

سید حسین طبیب - مهدی صدیقی - داربوش فروهر - محمد مهرداد - منوچهر نیمسار - علی محمد لشگری - هوشنگ آق بیانی - حسین تجدد - مهرداد سائور - علاءالدین خطیر - محمد علی زرشکی - تقی کبریت ساز نوکلی - داربوش پرویز - اسدالله حقدادی - عبدالله افسر پور - منوچهر آدمیت - مهوش سرخوش - شهربانو باوند - مهین ارزنگی - جلال پسیان - محمد علی معدلت - رحمت الله قاسمی - کنمانی مقدم - حسن کامبخش و فضل الله صدر و ...

۲۶- دکتر عباس روحبخش یکی از معاونان رهبر حزب و دو تن از افران میهن پرست حزب در سال ۱۳۵۸ بازداشت و محاکمه گردیدند که به حبس ابد محکوم. بعدها در به اصطلاح کودتای نوزده سرهنگ حسن مقبل زاده در حالی که در زندان بود تیر باران و دو نفر دیگر پس از چند سال آزاد گردیدند.

۲۷- در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست طی نامه سرگشاده به انتخابات مجلس خبرگان بجای مجلس موسان اعتراض و نیز تعداد محدود نمایندگان و عدم حضور نمایندگان بخش هایی از میهن ایرانیان مانند کردستان را غیر قابل قبول خواند.

۲۸- هنگام تصویب اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی که سرزمین ایران را جزولایتنک وطن امت اسلامی اعلام نموده بود حزب پان ایرانیست در تاریخ ۶ آبان ۱۳۵۸ طی نامه ای به مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت با ذکر دلایل و برشمردن خطراتی که در آینده از این بابت بخصوص جنگ با یک کشور مسلمان دچار آن خواهیم شد لغو این اصل را خواستار شد.

۲۹- هنگامیکه مجلس به تغییر پرچم ایران رأی داد حزب پان ایرانیست طی اعلامیه ۲۲/۸/۱۳۵۸ حفاظت از نشان شیر خورشید را بر عهده گرفت و اعلام نمود که نشان ملی شیر خورشید به درفش پان ایرانیسم افزوده گردیده است. (اطلاعات ۲۳ آبان ۱۳۵۸)

۳۰- طی اعلامیه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست یورش و اشغال دانشگاه ها و مدارس عالی را محکوم و اعلام نمود آن مقامات و کسانی که مسئولیت استقرار حکومت قانون را در کشور دارند خود علیه هرگونه نظم و قانون عصیان کرده اند.

۳۱- گروه رهبری کننده حزب از سال ۱۳۵۹ در خارج از کشور به ویژه فرانسه به کوشش ادامه انتشار دادند.

۳۲- درجنگ ایران و عراق حزب پان ایرانیست موضعی متفاوت با بقیه نیروهای مخالف اتخاذ و حمله عراق را محکوم و در کتاب جنگ در خلیج فارس و تجاوز و دفاع را در این باره منتشر نمود.

۳۳- در سال ۱۳۶۴ (۱ مرداد) سه تن از پیشگامان و کوشندگان حزب پان ایرانیست دکتر عبدالله افسر پور، دکتر ابراهیم میرانی و مهدی صفاریور به اتهام واهی براندازی بازداشت و شش ماه تا چند سال زندانی شدند. لازم به یادآوری است که زنده باد مهدی صفاریور ←

قرار گرفته و تابلو های حزب در همه شهرستان ها پایین کشیده شد و نیز روزنامه خاک و خون توقیف گردید.

۱۶- از خرداد ماه ۱۳۵۲ روزنامه خاک و خون دوباره آغاز به انتشار و حزب پان ایرانیست در بسیاری از شهرها و روستاها دست به تشکیل شوراها و شوراهای مشورتی وابسته به روزنامه خاک و خون زد.

۱۷- در سال ۱۳۵۴ به دنبال تشکیل حزب رستاخیز حزب پان ایرانیست به کوشش های پنهانی پرداخت.

۱۸- در انتخابات دوره ۲۴ دوباره پنج تن از پان ایرانیست ها از شهرهای خرمشهر (محسن پزشکیور) - تهران (دکتر محمدرضا عاملی تهرانی) - نهاوند (مهندس پرویز ظفری) - بوشهر (دکتر حسین طبیب) و اردکان یزد (منوچهر یزدی) انتخاب شدند.

۱۹- حزب پان ایرانیست در حوادث منجر به دگرگونی سال ۱۳۵۷ با براندازی نظام گذشته مخالف ولی با اصلاح و دگرگونی با استفاده از مجلس و نهاد های قانونی وقت موافق بود.

۲۰- در دولت های شریف امامی و ازهاری دکتر محمدرضا عاملی تهرانی به وزارت رسید و نیز آقای مهدی صفاریور به معاونت وزیر آموزش و پرورش برگزیده شد.

۲۱- در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۵۸ طی اعلامیه ای نقطه نظر های خود را پیرامون شکل و محتوای حکومت آینده اعلام و بر سه اصل حفظ وحدت ملی - تأمین همبستگی سرزمینی و اجرای حاکمیت ملی در پهنه سیاست داخلی و خارجی و عدالت اجتماعی تأکید ورزید.

۲۲- در گردهمایی ۲۷ و ۲۸/۸/۱۳۵۸ و بیانیه پایانی آن سرود ای ایران در کنار دیگر سرود های حزبی به عنوان یکی از سرود های رسمی حزب و نهضت پان ایرانیسم پذیرفته شد.

۲۳- وزمجمدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ دکتر محمدرضا عاملی تهرانی اندیشمند نهضت پان ایرانیسم بدست ستمگران تیرباران شد و اموال او که مصادره گردید یک پیکان ۵۲ و تعدادی کتاب بود.

۲۴- در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۵۸ شورای بزرگ حزب پان ایرانیست در تهران تشکیل و با صدور ۵ قطعنامه درباره مسائل مهم کشور به کار خود پایان داد.

۲۵- از تیر ماه سال ۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست هفته نامه خلیج فارس را در خوزستان منتشر که پس از ۱۶ شماره توقیف شد.

۴۰- پس از حوادث تیر ماه ۱۳۷۸ دانشگاه تهران و صدور چند اعلامیه به حمایت از دانشجویان و محکوم نمودن آمران و عاملان حمله به کوی دانشگاه سه تن از اعضای شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست آقایان مهندس رضا کرمانی (دبیر مسئول حزب)، استاد قدرت اله جعفری و حسین شهریار در خانه های خود بازداشت و پس از بیش از دو ماه زندانی شدن در بازداشتگاه های توحید و اوین با قرار های وثیقه ده میلیون تومانی آزاد گردیدند که هنوز در انتظار محاکمه به سر برده و ضمناً استاد جعفری را از ادامه تدریس در دانشکده منع نمودند. در همان هنگام آقای ناصر بهمن یاری از فرهنگیان نور آباد ممسنی به سبب توزیع اعلامیه های مربوط به حمایت از دانشجویان بازداشت. و پس از مدتی زندانی شدن با وثیقه آزاد و سپس از آموزش و پرورش مجبور به بازخرید شد.

۴۱- در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ هشتمین کنگره حزب پان ایرانیست در تهران در یک محل بسته با حضور حدود دویست و پنجاه نفر از نمایندگان اندامان حزب تشکیل و پس از سه ساعت مأموران انتظامی محل کنگره را محاصره و تهدید به حمله به کنگره نموده خواستند که از ادامه کنگره خود داری گردد. به ناچار کنگره اضطراراً به ابتای شورای عالی رهبری قبل رأی داده و نیمه کاره به اجلاس خود خاتمه داد.

۴۲- در اسفند ماه ۱۳۷۹ در تظاهراتی که به عنوان اعتراض به ادعای واهی امارات در مورد جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک در برابر سفارت آن کشور صورت گرفت با وجود اطلاع قبلی به وزارت کشور پنج تن از جوانان و دانشجویان پان ایرانیست به نام های آرش کیخسروی - آرش صفارپور - علیرضا بوربور - کاوه شهریار و سیروس اسدی بازداشت و پس از دو روز آزاد گردیدند.

۴۳- در شهرهای ارومیه - اصفهان - بروجرد - کرج - تهران - اهواز - گرگان - سیاهکل و غیره به مناسبت های مختلف مسئولان و فعالان حزب پان ایرانیست احضار و مورد بازجویی قرار گرفته و غالباً از آنها خواسته می شود که ارتباطشان را با حزب قطع کنند. آخرین مورد در سیاهکل آقای میرزایی پان ایرانیست قدیمی

با قامت رشید و بیش از صد و ده کیلو وزن هنگامی که بی گناهی مطلق او ثابت و از زندان آزاد شد ۵۴ کیلو وزن داشت.

۳۴- آقای محسن پزشکیپور رهبر وقت حزب پان ایرانیست در سال ۱۳۷۰ بدون تقاضای امان نامه و بدون درخواست عضو یا نوشتن ندامت نامه (برخلاف ادعای حاکمیت) به دنبال چهار سال تقاضای مکرر به ایران بازگشت.

۳۵- آقای پزشکیپور در حال حاضر پروانه وکالتشان لغو (منوع الشغل) . منوع الخروج و ممنوع المعامله بوده. اموال شخصی او مصادره و حتی همین چند ماه قبل ارثیه پدری او هم از سوی نهاد های انقلابی ضبط و به فروش رسید. (سهم الارث ایشان طبق دستور فرمان هشت ماده ای امام).

۳۶- در بهمن ماه ۱۳۷۶ هفتمین کنگره حزب پان ایرانیست تشکیل و اداره حزب به یک شورای عالی رهبری هفت نفره مرکب از آقایان دکتر سهراب اعظم زنگنه - دکتر عبدالرضا باستانی - قدرت اله جعفری - مهدی صفارپور - مهندس رضا کرمانی - دکتر ابراهیم میرانی و منوچهر یزدی واگذار گردید که بعدها به سبب درگذشت آقای مهدی صفارپور آقای اسماعیل رحیمی جایگزین ایشان گردیدند.

۳۷- از اسفند ماه ۱۳۷۶ آقای مهندس رضا کرمانی به عنوان دبیر مسئول حزب برگزیده شدند.

۳۸- از فروردین ماه ۱۳۷۷ نشریه داخلی حزب پان ایرانیست به نام ضد استعمار آغاز به انتشار نمود و تا کنون به گونه ای منظم هر ماه یک شماره منتشر و از طریق اینترنت نیز در معرض دید ایران دوستان قرار می گیرد. این نشریه از شماره ۴۲ به حاکمیت ملت تغییر نام یافت.

۳۹- در آذر ماه ۱۳۷۷ هنگامی که اعلامیه حزب پان ایرانیست در مورد بیست و یکم آذر ماه (جدایی آذربایجان) در دانشگاه های تهران توزیع می گردید.

دانشجو آریوبرزن قیاسیان بازداشت و پس از پانزده روز با وثیقه پنج میلیون تومانی آزاد و در دادگاه ایشان ابتدا به دو سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی و در تجدید نظر به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شدند.

اجتماعی ملت ایران و شرکت در یک همه پرسی برای تعیین سرنوشت سیاسی و اداری خویش است.

۴۸- در تاریخ یکم آذرماه ۱۳۸۱ در مراسم یادبود شادروانان فروهرها سرور آرش کیخسروی از دانشجویان عضو حزب پان ایرانیست بازداشت و پس از بیش از یک ماه زندانی بودن در زندان اوین با وثیقه پنجاه میلیون تومان آزاد گردیدند.

۴۹- از شماره دی ۱۳۸۰ نشریه حاکمیت ملت (شماره ۴۵) آرنک همه پرسی برای تعیین نوع نظام مورد قبول مردم را در هر شماره با یک رباعی بکار گرفت:

"همه پرسی"

ای آنکه غمین نشسته ای سردرگم پرسی تو ز من راه نجات مردم
تنهاره آزادی ملک و ملت طرح همه پرسی است و یک رفراendum
۵۰- در حال حاضر حزب پان ایرانیست با هدایت شورای عالی رهبری منتخب کنگره نهم خود مرکب از سروران:

ابراهیم میرانی - مهندس رضا کرمانی - حسین شهریاری -
قدرت الله جعفری - بانو غلامی پور (صفاریور) - منوچهر یزدی و دکتر سهراب اعظم زنگنه به کوشش ها ادامه می دهد.

۵۱- نشریه حاکمیت ملت به عنوان سخنگوی حزب پان ایرانیست از فروردین ماه ۱۳۷۷ تا کنون به صورت ماهیانه منتشر می گردد.

۵۲- دفاع از اندیشه پان ایرانیسم و وحدت و یکپارچگی اقوام ایرانی - تلاش بی رفته برای برگزاری یک همه پرسی برای تعیین نوع نظام و ساختار سیاسی مورد قبول مردم. حفظ تمامیت ارضی ایران و اداره امور کشور با توجه به آرای مردم و ملت ایران در تمام شرایط (حاکمیت ملت) از اهم مسایل مورد پیگیری حزب پان ایرانیست می باشد. ■ فروردین ماه ۱۳۸۲- رضا کرمانی

را به جرم توزیع نشریه ضد استعمار پانزده روز بازداشت و... با محکومیت یک سال حبس تعلیقی آزاد گردیدند.

۴۴- در چند ماه آخر سال ۱۳۸۰ تمام اندامان شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست و آقای محسن پزشکیپور پیام آور پان ایرانیسم به دادگاه شعبه ۱۴۱۰ به ریاست قاضی سعید مرتضوی احضار و با قرارهای وثیقه پنجاه و چهل و سی و بیست و ده میلیون تومانی آزاد گردیدند و پرونده هنوز باز و با ادامه بازجویی برای دادگاه آماده می نمایند.

۴۵- در مجموع حزب پان ایرانیست با وجود آنکه از چهار سال قبل توسط یکی از افرادش که لیسانس روزنامه نگاری دارد تقاضای امتیاز روزنامه نموده است و هنوز با آن موافقت نگردیده از طریق انتشار ضد استعمار (حاکمیت ملت) و برگزاری کنفرانس های متعدد نقطه نظر های خود را پیرامون مخالفت با حاکمیت فرقه ای در ایران - لزوم همه پرسی درباره اصل نظام و تجدید نظر درباره قانون اساسی - باور به حاکمیت ملی و مردم سالاری و نیز ایجاد دگرگونی در ایران از راه های مسالمت آمیز بیان می دارد.

۴۶- در تاریخ پانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۱ کنگره نهم حزب پان ایرانیست با حضور ۲۷۰ نفر از نمایندگان افراد حزبی در تهران برگزار گردید.

۴۷- در ۴ آبان ۱۳۸۰ بدنبال سال ها دفاع از حاکمیت ملی حزب پان ایرانیست طی اعلامیه ای رسماً اعلام داشت ایرانیان در پی آنند که نظام شامخ ملت سالاری و حاکمیت برآمده از اراده خود را پی افکنند.

"حوادث روزهای اخیر در کشور عزیز ما زمزمه های فردای ملت ماست که خواستار خلع بد از غاصبین حقوق اساسی و

مدعیان دفاع از حقوق اقوام گوناگون ایرانی قبل از هر چیز باید به این نکته پاسخ روشن بدهند:

آیا خود را ایرانی می دانند یا نه؟

چون فرهنگ و تاریخ ملت بزرگ ایران، همه اقوام ایرانی را بخش هایی به هم پیوسته و در هم تنیده از بیکره جاودانی خویش می داند و مالکیت سرزمین هایی را که اقوام گوناگون ولی بکپارچه ایرانی بآن ها ساکنند در مالکیت مشترک همه اقوام جامعه بزرگ ایرانی می داند و هر گوشه ای از ایران بزرگ به همه ایرانیان تعلق دارد.

دوازدهم تیر ماه زاد روز بابک خرم دین فرخنده باد

از: دکتر تیرداد

بابک دلاور آذربایجانی که با قیام ۲۰ ساله خویش علیه سلطه بیگانگان و خلفای بدسگال عباسی نامی نیک در پهنه تاریخ مبارزاتی ملت بزرگ ایران برای خود به یادگار گذاشته بزرگمردی است که در کنار دیگر دلاوران و قهرمانان ایرانی تبار که جان خود را فدای رهایی ایران و ایرانی نمودند چون مازبار، سباد و استاد سیس و مقنع، خواستار تجدید مجد و عظمت ایران قدیم بودند و در تلخ ترین ایام تاریخ ایران که حتی سخن گفتن به زبان فارسی جنایت محسوب می شد به پا خاستند و یاد و خاطره حماسه های ملی ایرانیان را در اذهان فسرده جامعه زنده کردند و به مردم ایران درس پایداری و آزادگی و ایران دوستی دادند.

نهضت خرم دینان که بار فرهنگی و اجتماعی قیام مزدکیان را برای استقرار رفاه و عدالت اجتماعی نیز به دوش می کشیدند قبل و بعد از بابک نیز در سراسر ایران بزرگ و دهه های بسیار با قیام های خونین خویش خواب راحت را از چشم ایرانیان اهریمنی گرفته بودند و علیرغم سرکوب های وحشتناک مرتبا با خیزش های پر صلابت خویش در تضعیف سلطه خلافت عباسی و ایجاد خودباوری ملی در میان ایرانیان کوشیدند تا سرانجام به دنبال مبارزات ابومسلم و طاهریان، یعقوب لیث صفاری بزرگمرد سیستانی راه استقلال ایران را هموار نمود و حکومت های مستقل صفاریان، سامانیان و دیلمیان سرانجام بغداد مرکز خلافت را هم بدست آوردند.

بابک خرم دین پس از آنکه بدنبال توطئه خائنان وطن فروش اسیر و به بغداد برده شد در آنجا نیز هم زمان با شهادت افتخار آفرین خود حماسه ای دیگر از وطن خواهی و دلاوری آفرید. داستان آخرین ساعات زندگی او را چنین نوشته اند چون بابک را در دارالخلافه بغداد به مجلس معتصم وارد کردند برادرش نیز در آنجا بود وی را گفت: "آی بابک کاری کردی که کس نکرد اکنون صبری کن که دیگری نکرده باشد. گفت خواهی دید که صبر چگونه کنم..." (۱) نوشته اند هنگامی که به دستور معتصم خلیفه خون آشام عباسی یک دستش را بریدند دست دیگر را با خون آغشته کرد و در روی خود مالید بدان گونه که تمامی صورتش را با خون خود رنگین کرد گویند خلیفه پرسید: "... این چه عمل است گفت در این حکمتی است شما هر دودست و پای من بخواهید برید و گونه روی مردم از خون سرخ باشد خون از روی برود زرد باشد. من روی خویش از خون خود سرخ کردم تا چون خون از تن بیرون شود نگویند که رویش از بیم زرد شد..." (۲) باری این چنین بود پایان غم انگیز زندگی بابک قهرمان بزرگ ضد عرب ایرانی که در واپسین دم زندگی نیز در برابر دشمن، خم به ابرو نیاورد و شجاعانه با غیرت و شهادت ایرانی، خلیفه نابکار عرب را تحت تأثیر خود قرار داد.

دروود همه ایرانی ما نثار او باد و راهش پر رهرو! ■

(۱) و (۲) - نقل از صص ۲۵۵ و ۲۵۶ کتاب دو قرن سکوت، دکتر زرین کوب به نقل از صص ۱۷۶ سیاستنامه

**"شاد باد، شاد باد، شاد باشید ای شهیدان راه ایران که به قرن ها در دل دشت ها، کوه ها و دریاها
وطن به خون خود کفن پوشیده و خفته اید نام شما و یاد شما افتخار ماست و درس زندگی ما.**

پاینده ایران

از : دکتر بیدار

قیام سی ام تیر ، قیام ضد استعمار در سطح جهانی

سی ام تیر ماه ، نموداری از وحدت ملت بزرگ ایران و پیروزی نهضت بر اساس یگانگی !

های اسارت را در برداشت. بنابراین همانگونه که همگان آگاهی دارند نهضت ملی شدن نفت با خود و در ابعادی بس گسترده همه ی وجود استعمار را هدف گرفته بود. اگر به نیکی و به نحوی شایسته به کالبدشکافی رستاخیز ملی شدن نفت بپردازیم در خواهیم یافت که جنبش ملی شدن نفت جنبشی وسیع می بود که چونان اقیانوسی عظیم و گسترده تمامی حرکت هایی را که از دل کوهستان تاریخ سرچشمه می گرفتند و به سوی دنیای آزادی سرازیر می شدند در بر می گرفت و این جنبش ها را صیانت و هدایت می نمود. نشان صداقت و پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت در چنان شرایطی این بود که: نهضت در تمام وجوه و جنبه های گوناگون اجتماعی و سیاسی هر نحوی و هر شکلی از استعمار را محکوم می نمود و راهیان این طریق خدایی را به سوی نبردی گسترده و ضد استعمار - به هر رنگ و شکلی که می بودند - هدایت می نمود.

۳- در تمامی دوران آغاز و گسترش نهضت ملی شدن نفت در سراسر ایران، نهضت "پان ایرانیسم" و سپس حزب پرتوان و دشمن شکن "پان ایرانیست" مسئولیت و هم نقش مهم و ضروری را به عهده داشت.

نهضت پان ایرانیسم که از دل تاریخ هزارها ساله ی ملت ایران نشأت و مایه و ریشه گرفته است در مسیر حرکت این نهضت با شناخت روشن و اتخاذ روش های آگاهانه نقش اساسی و مسئولیت بنیادی را به عهده گرفت. در این طریق بود که "پان ایرانیسم" به عنوان مرکزی آگاه و روشن بین در صحنه ی مبارزات نمودار گردید. در چنین رویدادی بود که از سوی "جبهه ی توده نشی" برابر پان ایرانیسم و دیگر حرکت های

میهن پرستانه به صحنه های نبرد گام گذارد و نیز از سوی دیگر عملاً دیگر حرکت های ملی و ضد استعمار دوشادوش پان ایرانیسم به هماهنگی پرداختند و صحنه های نبرد را گام به

از بامداد روز دوشنبه سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ خورشیدی - تهران که شب پیشین را با التهاب و مخاطرات بسیار پشت سر گذارده بود با عزم و اراده ای چشمگیر در انتظار بروز و ظهور حادثه ای بس عظیم می بود که به حق آن را می توان "قیامی چونان دیگر قیام های این ملت سترگ و مردم میهن پرست و انقلابی به منهوم واقعی آن در نبردگاه روزگار دانست زیرا که :

۱- جامعه ی بزرگ ایرانی در طی چند هزار سال تاریخ نوشته و نانوخته ی آن - نه تنها در جایگاه و خاستگاه نیروهای اهورایی و بر ضد ستمکاران اهریمنی می بود بلکه چونان سرزمینی که اندیشه های تابناک و آزادی بخش راه جامعه ی بشری تقدیم می کرد از سویی دیگر این سرزمین مقدس کانون حمایت از دیگر جنبش های ضد اهریمنی و مردمی در دنیا می بود که ملت ایران بنا به سرنوشتی که فرا راه او بوده نقش هدایت کننده و نیز صیانت کننده را در راه آرمان های بشری و آزادی بخش دنبال می نمود. هم بدین سبب جامعه ی بزرگ ایرانی چونان راهنما و نیز حامی و صیانت کننده ی تمامی جنبش های حرکت درمیر آزادی طی طریق می نمود.

۲- یکی از مهم ترین قیام های تاریخی ملت ایران - برپاشدن نهضت عظیم ملی کردن نفت در سرتاسر ایران می باشد. از آن جا که محوریت و مسئولیت فرهنگ و تاریخ ایرانی بر پایه ی آرمان های مربوط به "نهضت ملی شدن نفت در سرتاسر ایران" - همه ی ارکان سیاست های شوم استعماری را مورد یورش بر حق خود قرار داد و جامعه ی ایرانی را به سوی از هم گسستن زنجیر های استعمار - آرمان های حرکت ها و نبرد های ضد استعمار بود که طی سال های متصادی به نبرد رویاروی برای در هم شکنش نهاد های ملت ایران و غارت و جپاول منابع و حقوق تاریخی ملت ایران ارائه گردید "نهضت ملی شدن نفت در سرتاسر ایران" بود که با خود آرمان در هم شکنش تمامی زنجیر

گام با سرفرازی دنبال نمودند بنابراین در بحبوحه این مبارزات تصویب قانون ملی شدن نفت در سراسر ایران شاید برای نخستین بار پس از گشرش و ریشه یافتن سیاست های استعماری در قلب ایران زمین یعنی تهران و مجلس شورای ملی سیاست استعماری انگلیس و دیگر همراهان طرار و ترفند بازش. با اراده عظیم ملی جامعه بزرگ ایرانی رو به رو شدند. حدوث واقعه بس عظیم که کمر استعمار را در هم شکست و آنان را به سوی اتخاذ تصمیم های نادرست و زیان بخش کشانید.

۴- یکی از ویژگی های جنبش عظیم ملی شدن نفت و صنایع و منابع وابسته به آن در این بود که استعمارگران سرخ و سیاه و دست آموزهای آنان عملاً در کنار یکدیگر قرار گرفتند و تمامی کوچک ابدال های استعمارگران و سیاست های قدرت های اهریمنی در صف و جبهه ای واحد قرار گرفتند. این جبهه را ملت ایران، جبهه ی توده نفتی نامید. جبهه ی توده نفتی که به حمایت از سیاست های دیرین استعماری و ضد ایرانی شکل گرفت قبل از هر چیز نبرد با "پان ایرانیسم" را سرلوحه ی اقدامات خود قرار داد بنابراین مبارزه ای با چنین ابعاد گسترده ای بر ضد پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست و همه تشکلهای پان ایرانیست و نهاد های وابسته به آن مورد هجوم و یورش این جبهه اهریمنی و اقدامات تخریب کننده آن قرار گرفت.

۵- در مسیر این اقدامات نبرد شدت گرفت. احمد قوام را بر مسند نخست وزیری نشانندند. عناصر موثر جبهه آزادی رابه زنجیر اسارت و زندانها کشانیدند. هجوم و یورش به سازمان های پان ایرانیست از تهران گرفته تا همه شهرستان ها از آن جمله در مسیر این اقدامات ضد ملی بنیان گذار نهضت پان ایرانیسم را به زندان زیر آگاهی که از مخوف ترین زندان های وقت بود یا سازمان دمی و هجومی از پیش فراهم شده محبوس کردند. روزنامه "ندای پان ایرانیسم" که در چاپخانه "زندگی" در دست چاپ بود با بر هم ریختن صفحات آن به قید توقیف غیر قانونی درآوردند.

۶- با همه ی این تفاسیر در آن شب (شب سی ام تیر ماه) نه تهران در خواب فرو رفت و نه شهرستان ها آرامش داشتند. فریاد آزادگی طلبی ها که به سود دکتر محمد مصدق و دیگر رهبران نهضت در تمامی محوطه ی زندان سر داده می شد تهران را لرزاند. تهران برای روز بعد بسیج کرده بود. صبح روز دوشنبه سی ام تیر ماه. قیام مردم از زندان ها شروع گردید. مردم به خشم آمده برای دفاع از ره آورد های نهضت به پاخواستند در زندان های واقع در مرکز پلیس و نیروهای نظامی به همت و عزم مردم گشوده شد از جمله زندان زیر آگاهی چنین حالتی یافت. رهبر پان ایرانیسم و مبارزان دیگر از زندانها به همت مردم آزاد شدند. شهر تهران و نیز بسیاری از شهرستانها قیام کردند. تعدادی بسیار از مردم و به خصوص جوانان به شهادت رسیدند از جمله ی این جان باختگان سرور هوشنگ رضیان بود که اکنون نام پرآوازه او در کنار دیگر جان باختگان قیام سی ام تیر ماه در منطقه ی ویژه ی شهدای سی ام تیر ماه می درخشد.

۷- به دنبال قیام مردم ایران نهضت ضد استعماری ملت بزرگ ایران ثمرات خود را آشکار نمود. ساعت دو و نیم بعد از ظهر روز سی ام تیر ماه قیام مردم به پیروزی رسید. احمد قوام از نخست وزیری عزل گردید. فرمان نخست وزیری به نام دکتر محمد مصدق صادر شد. مجلس شورای ملی نیز به تشکیل جلسه مبادرت نمود و نخست وزیری دکتر مصدق را تأیید کرد.

بدین سان مردم در راه نهضت به پیروزی رسیدند. دیدگان مبارزان ضد استعمار در دریایی از امید و شوق پیروزی موج می زد. می بایست همگان و به ویژه آن ها که مسئولیت های اجرایی و تقنینی و قضایی را به عهده داشتند در مسیر انحراف ناپذیر نهضت ناسیونالیستی ملت ایران حرکت می کردند که چنین نکردند و در نتیجه چنین شد که شد. ■

ایران بزرگ آرمان بزرگ می خواهد

از: اخگر

پان ایرانیست ها می گویند...!!

* (توطئه های دشمنان را در هم بشکنید...!)

* (سه حرکت ناکام...!)

پیوستن چند کشور مستقل به یکدیگر و ایجاد یک کشور بزرگتر هدف است نه تقسیم یک کشور به واحدهای کوچک و خود مختار!!!
سوئیس که یک کشور قدیمی فدرال است از قرن سیزده تا قرن شانزدهم به مدت سیصد سال از به هم پیوستن شهرهای مستقل قرون وسطایی به یکدیگر پدید آمد.

در آمریکا از سال ۱۷۵۷ میلادی - دروازه دولت علیه استعمار بریتانیا با یکدیگر متحد شدند و پس از پیروزی در جنگ های استقلال به صورت کنفدراسیون با هم متحد شدند و پس از خرید مستعمرات فرانسه و تصرف مناطق مجاور در سال ۱۸۳۶ به بیست و پنج ایالت و در سال ۱۸۵۰ به ۳۱ ایالت و در سال ۱۹۰۰ به ۴۴ ایالت و در سال ۱۹۵۹ با افزایش آلاسکا و هاوایی به ۵۰ ایالت افزایش یافت.

در آلمان تا پایان قرن هیجدهم - ۱۲۰ شاهزاده نشین کوچک و بزرگ حکومت می کردند و در سال ۱۸۱۶ تمام ایالت های آلمانی زبان به غیر از اتریش و پروس کنفدراسیونی تشکیل دادند - در سال ۱۸۱۵ کنگره وین - کشور فدرال آلمان را با ۳۹ عضو به وجود آورد و ۳۵ شاهزاده نشین به این اتحادیه پیوستند و در سال ۱۸۷۱ اتحاد کامل آلمان صورت گرفت. در هندوستان تا قبل از سال ۱۹۴۷ بیش از ۵۰۰ شاهزاده نشین وجود داشت که هر یک دارای استقلال نسبی بودند. لازم به توضیح است که بیش از ۹۵ درصد کشورهایی که با سیستم فدرال اداره می شوند از پیوستن واحد های کوچکتر به یکدیگر به وجود آمده اند.

قلم بدستان روشنفکری که فدرالیسم را نوعی دموکراسی قلمداد می کنند باید بدانند که در سوئیس ۵۰۰ سال پس از ایجاد آن کشور به تدریج دموکراسی در آنجا پی ریزی شد و در بسیاری از کشور های فدرال هنوز دموکراسی وجود ندارد که نمونه های آن در آسیا و آفریقا فراوانند.

روشنفکران مأموری که کوچکتر کردن کشور را راه رسیدن به آزادی و دموکراسی می دانند لازم است بدانند که امارات متحده عربی کوچکترین کشور منطقه و فدرال نیز هست هنوز رنگ دموکراسی را ندیده است! خطرناک ترین کار سیاسی در یک کشوری که دموکراسی را تجربه نکرده این است که نسخه فدرالیسم برایش

مدت هاست که حزب پان ایرانیست توجه دولت را به توطئه های رژیم پهلوی می دهد جلب می کند و هشدار می دهد که از دسبه های جهانی برای تجزیه آذربایجان و خوزستان غافل نشوند و جریان پان عربیسم و پان تورکیسم را جدی بگیرند... اما حکومت آن چنان غرق در مسایل خود ساخته جهانی و منطقه ای شده است که از داخل کشور غافل مانده است. زمزمه های فدرالیسم نومی زنگ خطری است که مسئولان کشور را از خواب بیدار نکرده ولی دل میهن پرستان را به درد آورده است. به کرات اشاره کرده ایم که سه کشور اسرائیل - ترکیه و آذربایجان روسیه. برای جدایی آذربایجان خواب های وحشتناک دیده اند و هزینه نجومات و سمینارهای آنان را این کشورها تأمین می کنند...

صدای زوزه گرگ های پان تورکیسم که از حلقوم مثنی خانن و مزدور بر می خیزد. آذری های کشورمان را به شدت متأثر و خشمگین نموده - قلم به دستان مزدور - تجزیه طلب در آن سوی مرزها. رساله و مقاله و کتاب و بالأخره خوراکی برای این حرکت ضد ایرانی فراهم می سازند... در داخل کشور. دولت بدون توجه به مخاطرات اقدامات خود اجازه چاپ و نشر روزنامه هایی را در استانهای آذربایجان داده که به زبان ترکی استانبولی منتشر می شود.

جسارت این عده بی وطنان به جایی رسیده که علنا برای تجزیه ایران تبلیغ می نمایند و در این شرایط ناگوار. معلوم نیست که وزارت امنیت و اطلاعات کشور چه تدبیری اندیشیده است؟

آیا اقدامات این قبیل افراد امنیت کشور را به خطر نمی اندازد؟

در ایران ۱۶ میلیون آذری زندگی میکنند که دویست میلیون نفر آنها فقط در تهران به سر می برند و بقیه در ۴ استان آذربایجان غربی و شرقی و زنجان و اردبیل زندگی می کنند و در واقع ایران زمین سرای آن ها و خانه امن شان است و هرگز گوششان بدهکار لاطانات تجزیه طلب آذری نیست. درخوزستان اقوام عرب و فارسی کنار هم زندگی میکنند که هرگاه در این استان خودمختاری اعلام شود یک قوم به صورت اقلیت خواهد بود. زمزمه های فدرالیسم که از زبان برخی روشنفکران معذور و خود فروخته شنیده می شود غیر علمی. ضد سلی و توأم با سفسطه است. مطالعه تاریخ ایجاد کشورهای فدرال نشان میدهد که فدرالیسم به معنایی

نزدیک ساخت ردر پناه این اتحاد بزرگ به جنگ استبداد و استکبار و استعمار رفت که ریشه همه بدبختی های موجود در آن جاست و پس.

در سه حرکت ناکام...!!

مردامه که پیش روی خود داریم. ماهی که در آن سه حرکت مهم و قابل تأمل در سال های مختلف روی داد. سه حرکت ناکام یا سه مرگ تاریخی...!

حرکت اول. انقلاب مشروطیت بود که فرمان آن در مرداد ماه ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین شاه رسید و در مرداد ماه بعد به خاک و خون کشیده شد. حرکتی که با فریاد حق طلبانه و عدالت خواهانه ملت ایران آغاز شد ولی سر از سفارت انگلیس درآورد و نام مشروطه به خود گرفت و تبدیل به مشروطه مشروعه شد و سپس ناکام و ناروا به هرج و مرج و دیکتاتوری پیوست و با مرگ این حرکت، قانون و مجلس و انتخابات ابزار دست قدرتمندان سیاسی و مذهبی گردید...!

در حرکت اول - دو سال مردم به هیجان آمده چیزی را طلب می کردند و برای آن در شاه عبدالعظیم و حضرت معصومه و سفارت انگلیس متحصن می شدند که شرایط و بشر آن فراهم نبود جامعه ایران در آن روزگار، فاقد نسل های اندیشمند و دانشمند و باسواد و حقوقدان و سیاستمدار وطن پرست و بالأخره نظام تربیتی بود.

حضور فراماسون ها در این حرکت و دخالت روس و انگلیس و هدایت روحانیت، نشانگر آن بود که این جنبش راه به مقصود نخواهد برد... ولی چرا برای آن قبل و قال ها بالا بود... بعد ها مشخص شد که هم زمان با حرکت اول (یعنی جنبش مشروطه خواهی) توطئه بزرگ فرار داد ۱۹۰۷ یعنی تقسیم ایران بین روس و انگلیس پشت دروازه های کشور تدارک دیده شده بود...

توطئه ای که از سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۷ دولت انگلیس در پی آن بود و بزرگترین و مهم ترین جاسوس هایش را برای عقد این قرارداد به ایران و روسیه فرستاده بود... قتل ناصرالدین شاه - ترور میرزا علی اصغر خان امین السلطان - اختلاف سران روحانیت - بست نشینی در سفارت انگلیس و به کارگیری و هزینه کردن اعتبارات موقوفه آود که در اختیار سر آرتور هاردینگ وزیر مختار انگلیس در ایران بود و بالأخره به خاک و خون کشیده شدن آزادخواهان و بستن مجلس و جنگ داخلی و فرار محمد علی شاه و به تخت نشستن فرزند دوازده ساله شاه... همه و همه آثار اقداماتی بود که دیپلماسی روس و انگلیس در ایران انجام داده بودند... تا کبک قرارداد ۱۹۰۷ با تنش کمتر بلمبده شود...!

پیچیده شود زیرا معمولاً در این مناطق سیاستمداران جاه طلب و گاه وابسته ای وجود دارند که حاضرند رئیس جمعیور یک دهکده باشند ولی فرماندار یک کشور نباشند...!

اشتباه دیگر این روشنفکران که به کرات از آن یاد می کنند این است که گمان می کنند فدرالیسم سبب توسعه اقتصادی خواهد بود درحالی که جوامع عقب مانده فرهنگی هرگز یک شبه به توسعه اقتصادی دست نخواهند یافت. اگرچنین بود کشورهای پاکستان و بنگلادش و آمریکای لاتین که سالهاست به استقلال سیاسی دست یافته اند امروز باید به شکوفایی اقتصادی رسیده باشند در حالی که برزیل در حال حاضر ۲۳۷ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد - آرزوئین ۱۴۶ میلیارد دلار مرفوض است - مکزیک با آنکه چاه نفت دارد ۱۵۰ میلیارد دلار به دنیا بدهکار است - پاکستان و بنگلادش که هنوز در بانلاق فقر دست و پا می زنند.

باید این زنگ خطر را فقط برای آن عده از قلم بدستان تجزیه طلب با فدرال خواه که ندانسته فریب زازخایی های بیگانگان را خورده اند به صدا در آوریم که در کشورهای فدرال بیشترین درگیری های قومی و جنبش های جدایی طلب وجود داشته و دارد. مثلاً در نیجریه از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ میلادی بیش از ده هزار نفر در درگیری های قومی کشته شده اند - در هندوستان درگیری های قومی و مذهبی هر ماه هزاران نفر را به خاک و خون می کشد.

در گیری های قومی در هلند، این کشور را به تجزیه کشانید و بلژیک خلق شد - تا قرن نوزدهم ما کشوری به نام بلژیک نداشتیم و هم اکنون این کشور از سه قوم فرانسه زبان، هلندی زبان و آلمانی زبان تشکیل شده که عدم سازش آنان با یکدیگر بلژیک را با بحران های جدی مواجه ساخته است.

ضرور است پرچمداران نهضت فدرالیته بدانند که جهان تغییر کرده و اقتصاد جهانی و جهانی شدن، دنیا را با شرایط جدید رو به رو کرده، آنچه که در این شرایط برای کشور ها به ویژه ایران ضرور و لازم است، تفاهم فرهنگی و حمایت از تنوع قومی است نه جدا کردن مرزها یا فدرال شدن ایالات و استان ها.

در جهان آینده راه نجات ملت ها، تلاش و کوشش همگانی برای کسب دموکراسی است که در پناه آن همه اقوام و تیره های ایرانی از هر نژاد و زبان و مذهبی به اتحاد بزرگی دست یابند. ابزار این اتحاد بزرگ فراهم است وجود فرهنگ مشترک، دردهای مشترک و نیازهای مشترک ما را باید به سوی یکدیگر بکشاند نه جدایی و افتراق.

جدایی خواست قدرتمندان استعمار گر و دشمنان این آب و خاک است. باید قلوب اقوام و نسل های جدا مانده از سرزمین مادر را به یکدیگر

بنابراین حرکت اول به ناکامی غلتید.

حرکت دوم... جنگ دوم جهانی و حضور نظامیان روس و انگلیس در ایران و برکناری رضا شاه از قدرت و تبعید وی در غربت بود...

رضاشاه به آرزوهای بزرگ ملت ایران واقف بود و بدین روی قبل از هر اقدام، به تشکیل ارتش و سپاه منظم و مقتدری پرداخت تا بتواند عوامل و سرسپردگان سیاستهای بیگانه رادر گوشه و کنار کشور از پای درآورد و به ایران استقلال سیاسی بدهد و آنگاه برای احیای هویت ملی ما که طی قرن ها از بین رفته بود... به تلاشی سخت و طاقت فرسا دست بازید...

رضا شاه یک سرباز بود و از میان نوده های مردم برخاسته بود... او نه از تبار اشراف و مالکان و خان ها و سران ابل و عشیره بود و نه از جمع دانشمندان و تحصیلکرده ها و دانشکده دیده ها... او یک سرباز رنج دیده و ایران گشته و درد آشنا بود...

او بیگانه و روشهای بیگانگان را برای از پای درآوردن ایران می شناخت پس یک تنه به جنگ فقر سیاسی - اقتصادی و فرهنگی رفت و با روشهای سربازی خود به ملت ایران هشدار داد که از غلتیدن به آغوش بیگانگان بپرهیزند... پس به تأسیس مدرسه و دانشگاه پرداخت و جوانان را به خارج اعزام نمود تا کسب دانش از نیول خانواده های متمول خارج شود و بالاخره... او دروازه های مدرنیسم و تجدد را برای کشوری که دو قرن از کاروان تمدن عقب مانده بود باز کرد... اما به زحمت و رنج بسیار...!! پیشگامی در چنین اموری - جانفشانی و ایثار می طلبد که او چنین کرد و از زهر قلم و قدم سنت گرایان برخوردار شد ولی عاقبت با توطئه ای دیگر و جنگی همه گیر - حرکت دوم متوقف شد.

انگلیس ها که همیشه آدما و عوامل خودشان راداشته اند... وجود مردی هم چون رضا شاه را تحمل نمی کردند - مردان آن ها باید وطن فروش و عاری از مهر به ایران باشند... پس او را روانه جزیره ای کردند... کشور را اشغال نمودند و بر آرزوهای ملت ایران نقطه پایان گذاردند... و او... یعنی رضا شاه در مرداد ماه ۱۳۲۳ در غربت رخ در نقاب خاک کشید.

حرکت سوم را محمدرضاشاه بعد از پدربنی گرفت... او با آنکه می دانست ورود به حوزه مدرنیسم در یک جامعه سنت گرا کاری بس دشوار است ولی به آزادی راه پدر را پیش گرفت - او از همان آغاز سنطنت بر خلاف اراده سیاست های روس و انگلیس زمام امور را بدست گرفت ولی فراموشون ها - حزب توده - سیاست بازان حرفه ای و فرصت طلب - گروه های سیاسی غیر ملی او را راحت نگذاشتند... برای قتل اش توطئه ها کردند... به حریم خاندان سلطنت بی حرمتی ها نمودند - برای

تجزیه کشور نقشه ها کشیدند... به ساحت آبرو و حیثیت مبارزان سیاسی لطمه ها زدند و بالاخره در تمام دورانی که محمدرضا شاه می خواست در امور کشور دخالت نکند... کشور را کانون هرج و مرج و بی ثباتی و توطئه ساختند...!!

حرکت سوم در سال های پر از واقعه ۱۳۳۲ شکل گرفت - دانشکده ها پیا شد - مدارس و هنرستانها و دانشراها تأسیس گردید - قدرت نظامی و ارتش ایران به مقام پنجم جهان ارتقا یافت - نفت از بد شرکت های نفتی خارج شد و بهای آن - از یک دلار به ۱۱ دلار افزایش یافت -

صنعت پتروشیمی - ذوب آهن و فولاد سازی و آلومینیوم - صنایع شیمیایی و گاز و نفت شهرت جهانی یافت - راه ها و راه آهن و راه های هوایی و صنعت هوایی توسعه قابل توجه پیدا کرد - سپاه دانش و بهداشت و عمران - چهره روستاهای کشور را عوض کرد - درآمد ناخالص ملی کشور که ۴ میلیارد دلار بود به ۵۳ میلیارد دلار افزایش یافت - یعنی بالاترین رشد اقتصادی در سطح جهان - برق کشور در یک فاصله ده ساله از ۳۰۰ هزار به ۲۰ میلیارد کیلو وات ساعت رسید - هشت سد بزرگ بنا نهاده شد و ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی را زیر کشت برد.

در حرکت سوم - همه مذاهب و عقاید و اقوام در کنار هم زندگی می کردند و در توسعه ایران بزرگ مشارکت داشتند - بنادر ایران بزرگترین کشتی های ایرانی و جهان را در اسکله های خود جای می داد و پرچم ایران بر فراز کشتیها در ارونند رود به اهتزاز در آمد...

در حرکت سوم ایران ۱۴ میلیارد دلار ذخیره ارزی در بانک های جهانی داشت و بسیاری از کشورها نظیر انگلیس و آلمان و امریکا و فرانسه از ایران وام می گرفتند... و بالاخره آنکه پسرهای اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی برای توسعه سیاسی فراهم شده بود... ولی قبل از آن که ملت ایران آگاهانه گام بر حوزه توسعه سیاسی بگذارد - گرفتار طوفان سیاسی شد... و محمدرضا شاه اشک ریزان خاک وطن را ترک گفت و همانند پدر در غربت جان سپرد... او در ۵ مرداد ۱۳۵۹ در قاهره به خاک سپرده شد... و حرکت سوم هم در ایران مدفون گردید... و اینک حرکت چهارم در راه است... مقصد حاکمیت ملت است - قدری عزم ملی و همت می خواهد تا این حرکت از روی جنازه انگلیس ها و قدرت های بیگانه عبور کند و به سر منزل مقصود برسد!! ■

ایران بزرگ و آینده نگری

از: راستی

خاک و هم خون، در خاک و خون مشترکند. آرمانی که تمام مذاهب و اقوام و احزاب و خاک و خون را در دل دارد. همچنانکه از نظر پدر هیچ فرزندی عزیزتر از دیگری نیست از نظر پان ایرانیست هم هیچ یک محبوبتر از دیگری نیست مگر به خدمتی بیشتر به ملت ایران. همه را یکسان دوست می دارد و در دل جای می دهد و در مقایسه و داوری با محک خدمت به خانواده بزرگ ایرانی جایگاه و منزلت افراد پدید می آید. وفادارترین به ملت ایران برترینانند. و تماشایان را اجرای بیش از نظاره نیست و آینده از آن کسانی است که در راه تحکیم این خانواده بزرگ ایرانی گام برمی دارند.

به این مهم باید توجه داشت که ایرانیان بخواهند می توانند و هر موقع خواسته اند توانسته اند بی تفاوتی و انفعال و سکون را مردابی گنبدیده را می ماند و پاکی و زلالی در حرکت است مثل رود و آینده از آن رود است و فنا از آن مرداب.

ایرانی برای رو به رویی با تئوری جهانی شدن می باید در مرحله اول ایرانی باشد و سپس جهانی - فقط ایران فرهنگی، ایران سیاسی، ایران بزرگ با تعریف خود می تواند رابطه ای سالم و قابل کنترل با جهان داشته باشد در موضع ضعف و ناتوانی. وارد شدن به بازی های جهانی شدن برای ایران بسیار خطرناک است و باعث حاشیه ای شدن، پر هزینه و مصرف گرایی خواهد بود و در قالب ایران مقتدر و قدرتمند. طرح مسائل جهانی شدن بسیار سودمند خواهد بود به معنای دیگر توانمان بایستی ایرانی و جهانی بود انتخاب هر گزینه به تنهایی ناموفق خواهد بود. تا به تفکر منطقه ای نرسیم به آینده مطلوب نخواهیم رسید و تا به هویت ایرانی نرسیم به تفکر منطقه ای نمی رسیم.

تعریف هویت: هویت به فرد می گوید که کیست و چیست و نقش های اجتماعی را به فرد القا می کند. هویت شغلی، جنسی، فامیلی به هویت دینی - قومی. هویت ملی - اجتماعی و هویت تاریخی و همه هویت ها در دل هویت ایرانی جای دارد و آرمان همه ایرانی همه هویت ها در دل هویت ایرانی جای دارد و آرمان همه ایرانی. همه هویت ها را شامل است با همه موجودیش. اگر بگوییم من هستم چون ایرانی هستم سوال بمدی این خواهد بود که ایران کجاست و

ایرانیان کیانند؟

ملت حلقه های زنجیر به هم پیوسته ای است که از اعماق تاریخ شروع و تا آینده ادامه دارد. گذشته را پشت سر گذاشته ایم ولی پشت سر نینداخته ایم.

گذشته جزئی از موجودیت ماست. اندیشیدن به آینده با دستمایه معرفت هاین است که از گذشته بدست آورده ایم. و در چهارراه های آینده مسیر ما را تعیین خواهند کرد. اما خیره شدن به گذشته چشم ما را بر آینده خواهد بست. از تاریخ عبرت می گیریم چون جزئی از ملت ماست. هر بخشی از گذشته، بخشی از امروز ما را ساخته و هر بخش امروز بخشی از فردا را خواهد ساخت. آینده نگر بدون در نظر گرفتن نقطه های دیروز و امروز به فردا نخواهد رسید. یعنی آینده برآیند نیروهای گذشته و حال هستند به علاوه هدف و آرمان - ... آینده ای که ما آن را می سازیم آینده ای است با هویت گذشتگان و هویت مردم امروز به قصد هدف و آرمان - و کسانی که این ضرورت ها را در نیابت به فراموشی سپرده خواهند شد و کسانی که در کوران تغییر حضور ندارند محکوم به اطاعت. این حکم تاریخ و قانون طبیعت است و ما بازیگران و آینده سازانی هستیم که سناریوی آینده را خود بر اساس گذشته و حال به هدف آرمان می نویسیم آرمانی که محال و خام اندیشی نیست بلکه حکم تاریخ است و فنا ناپذیر سناریویی که از اعماق تاریخ الهام گرفته شده است.

ما هویت امروز را نابودی هویت دیروز نمی دانیم و هویت فردا را نابودی هویت امروز نمی دانیم بلکه همه علت و معلول یکدیگرند و بهم پیوسته همانند رود. تو همانی که می اندیشی و گذشتگان اندیشیده اند و آیندگان برآیند هر دو. مردمی که خودمحوری می اندیشند و بدون در نظر گرفتن این حلقه های زنجیر در مقطع زمانی زندگی می کنند و می اندیشند، آینده ساز نخواهند بود بلکه آینده آن ها را خواهد ساخت. به معنای دیگر این مردم آینده خود را بر اساس توابع و تأثیرگذاری دیگران دگرگون خواهند دید. تأثیر پذیر خواهند بود نه تأثیر گذار اما. ما با هویت گذشته و حال پای در سرزمین فردا خواهیم گذاشت و به فردا برده نخواهیم شد و تماشای نخواهیم بود. اگر فقط به پیشینه انکا کنیم به آینده پرتاب خواهیم شد و اگر تماشای باشیم به آینده برده خواهیم شد و تجزیه و کوچکتر شدن را نظاره گر خواهیم بود.

آینده ایران مقتدر و قدرتمند نیازمند همه این حلقه های زنجیر است. با آرمانی همه ایرانی با تمام مذاهب و اقوام. با همه ایرانیانی که هم

مردم می گویند...!!

- (۱) ... به دلیل آلودگی خوراک دام ها، لبنیات کشور آلوده است و باید سازمان های بهداشتی در این مورد به طور جد وارد کارزار شوند!!
- (۲) ... جو ترخینه بشدت آلوده است و باید از خرید آن خود داری شود.
- (۳) ... وجود انبار های غیر استاندارد و آلوده و نیز حمل و نقل های غیر بهداشتی در کشتی ها سبب رشد قارچ های مای توکسین در خوراک دام و برخی مواد غذایی نظیر پسته، بادام زمینی، جو و ذرت گردیده است.
- (۴) ... مواد غذایی که آلوده به سموم قارچی شده، روی کبد اثر نا مطلوب می گذارند. باید این آلودگی ها را در گوشت، نخم مرغ، لبنیات و نان پیدا کرد!!
- (۵) ... اختلاف دو مقام مسئول در سازمان دامپزشکی کشور سبب شده که مطالبه بر پروژه تب برنکی ماهها به عهده تعویق افتد...!!
- (۶) ... دانشگاه آزاد هر سال ۷ الی ۸ نفر را برای دوره دکترای می گیرد که آنان هر ترمی باید یک میلیون و هشتصد هزار تومان بپردازند ... یعنی اخذ مدرک دکترای حدود بیست میلیون تومان آب می خورد ... ولی جالب آن که دانشگاه آزاد از وجود این فارغ التحصیلان دکترای دانشکده های خود استفاده نمی کند ... شاید در آینده نزدیک مدرک Ph.D از دانشگاه آزاد حذف شود چون این یک کاسی علمی است!!
- (۷) ... حاکمیت ملت اولین نشریه ای بود که دو سال پیش از تجدید فراش آقای دکتر مهاجرانی وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی پرده برداشت و بالاخره ماجرا به دادگاه کشید و بنیه ماجراها...
- (۸) ... سازمان دامپزشکی کشور دستگاه های مدرنی خریداری کرده که در انبارها خاک می خورد تا از رده خارج شود... قصه خرید آن نبوده وگرنه کارشناسی که آنان را مورد استفاده قرار دهد ندارند!!
- (۹) ... در موسسات تحقیقاتی و قارچ شناسی، نام پسته حکم جن را پیدا کرده و کسی حق ندارد راجع به آن صحبت کند چه رسد به تحقیق!!
- (۱۰) ... آلودگی توکسین ها در حرارت از بین نمی رود و در دراز مدت بیماری های کبدی خطرناک ایجاد می کند.
- (۱۱) ... آنچه که سبب روی کار آمدن روحانیت در ایران شد و اعجاب جهانیان را برانگیخت و اماندگی روشنفکران ما در عرصه سیاست و نا آگاهی این طبقه از نیازهای اجتماعی و عدم آرمان خواهی طبقه کتابخوان و روشنفکر بود و بس...!!
- (۱۲) ... جناح اصلاح طلب هم چنان برای استواری نظام فرقه ای کوشش و جدیت دارد و دکتر یزدی و یارانش سکان این کشتی را به دست دارند...
- (۱۳) ... در کنگره حزب مشارکت، عوامل فروپاشی اقتدار ملت ایران جملگی جمع بودند و از مصر هم تنی چند از اخوان المسلمین دعوت شده بودند که در بازار سیاست نوعی چشمک زدن و چراغ سبز نشان دادن به دوستان انگلیسی تلقی شد. در حالی که آقایان در حریم پرچم آمریکا قدم می زنند...!!
- (۱۴) ... یک روان شناس آمریکایی می گوید: یک مرتبه فرییم دادی شرم بر تو... دو مرتبه فرییم دادی شرم بر من...!!
- اما روانشناس ایرانی می گوید: اگر سه مرتبه فریب خوردی خاک بر سر تو!!

بر کس خود را ایرانی می داند باید پاسدار وحدت و یگانگی همه تیره ها و شاخه های ملت بزرگ ایران باشد

خبر های حزبی

۱- از ماهها قبل یاران جوان پان ایرانیست در سراسر ایران خود را برای حضور در یادمان بابک خرم دین دلاور ایران پرست آذربایجان به تاریخ ۱۲ و ۱۳ تیرماه زاد روز او در محل قلعه بابک (قلعه بد) در کلپیر آذربایجان آماده کرده بودند که متأسفانه با محاصره منطقه به بهانه مانور سپاه و استقرار نیروهای نظامی و انتظامی در اطراف قلعه و مسیر راه های منتهی به آن و به منظور پرهیز از هرگونه درگیری ناخواسته این برنامه از سوی دوستان و یاران ما تعطیل شد و به جای آن پان ایرانیست ها در اجتماعات گوناگون خود در سراسر ایران یاد و خاطره دلاور مردی های بابک خرم دین و دیگر یاران ایرانپرست او را گرامی داشتند.

۲- چهاردهم مرداد ماه سالروز صدور فرمان مشروطیت ایران و خاطره دلاوری های آزادگان ایران پرستی چون ستارخان و باقر خان سردار و سالار ملی و نیز یاد همه شهدای مشروطه خواه را گرامی می داریم. امسال نیز مانند سالیان دراز گذشته گروه هایی از پان ایرانیست ها و هوادان حزب بر مزار ستارخان سردار ملی ایران در باغ طوطی جنب آستان حضرت عبدالعظیم (ع) حضور یافته و با گلابشویی مزار و نثار دسته های گل نسبت به آن دلاور مرد

۳- در ماههای تیر و مرداد نیز نشست های ماهیانه شورای عالی رهبری حزب بطور منظم تشکیل گردید و اندامان منتخب شورا در کنگره پیروز نهم ضمن تحلیل مواضع و اعلام نظردریاره ایشان اساسی ترین مسائل ایران و جهان و چگونگی کوششهای گسترده تشکیلاتی حزب دوداخل و خارج از کشور به بحث های مفصل کارشناسانه پرداخته و با تصمیم گیری خود راهکارهای مبارزاتی آینده را ترسیم و مصوبات خویش را برای اجرا به بدنه تشکیلات حزب از طریق دبیرکل ابلاغ می نمایند.

نشانی ما در شبکه جهانی اینترنت:
www.paniranist.org
نشانی دفتر شمال کالیفرنیا در شبکه اینترنت:
www.paniranism.org
با حزب پان ایرانیست از طریق پست الکترونیک به نشانی های زیر مکاتبه فرمایید:
Akhgar@hafez.net
دفتر اروپایی حزب پان ایرانیست (مرکز هلند):
Paniranist@parsi.mail.com
سایت جدید یاران ما در سوئد:
Paniranist.com
با ما در ایران به نشانی زیر:
کرج صندوق پستی ۱۶۷۹ - ۳۱۵۳۵ سرور حسین
شهریاری مکاتبه فرمایید.
تلفکس دبیر کل حزب پان ایرانیست:
۰۲۱ - ۸۰۷۴۹۵۳
تلفکس قائم مقام دبیرکل:
۰۲۱ - ۸۳۶۳۹۱۸

برای جامعه ایرانی نظمی نو خواهیم ساخت

نظمی که حزب پان ایرانیست خواهان آن است علیه هیچ یک از تیره ها، هیچ یک از قومیت ها و هیچ یک از گروه های وابسته به ملت ایران نیست. نظم فردا، نظمی است برای رسیدن به وحدت و آزادگی و اقتدار و رفاه ملت ایران. کسانی که با عظمت و وحدت ملت ایران بستیزند نظم پرشکوه و بیگانگی طلب ما، برضد آنان است.

قسمت هایی از مصاحبه استاد حسن زاده دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران

اخیرا استاد حسن زاده دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران به دنبال چاپ مقاله ای در نشریه چشم انداز مصاحبه ای انجام داده اند که "حاکمیت ملت" از آنجا که مبارزات دلاوران کرد را در راستای تمامیت ارضی ایران و استقرار حاکمیت ملی ارزیابی می کند و اعتقاد دارد که بایستی ابرهای تیره توهم و دروغ و افترا در مورد اهداف حق طلبانه جنبش آزادیخواهان مردم کرد به کنار زده شود و تفاهمی بایسته میان مبارزات وطن خواهانه و آزادیگری بخش مردم کردستان و سایر احزاب و سازمان ها و جنبش های رهایی بخش و ایران گرای سراسر ایران به وجود آید به بخش هایی روشنگر از این مصاحبه. هرچند کوتاه اشاره می نمایم:

استاد حسن زاده در بخش بررسی رویداد های دهه های گذشته می گویند که: نباید رویداد تاریخی مربوط به ۵۰ سال پیش و پیشتر از آن را با معیارهای امروزی سنجید.

ایشان از قول شهید دکتر قاسملو دبیر کل سابق حزب دموکرات کردستان ایران می گویند که: "ما می خواهیم مسأله کرد در چهارچوب ایران حل شود. خبرنگاری از دکتر قاسملو می پرسد خوب اگر نسل های آتی خواست های دیگری داشتند؟ دکتر جواب می گوید من مسئول نسل های آتی نیستم من مسئول نسل امروز هستم و از این نسل سخن می گویم."

استاد حسن زاده در پاسخ پرسشی که چرا مذاکرات روزهای اول استقرار جمهوری اسلامی بین جمهوری اسلامی و نمایندگان کردستان به نتیجه نرسید؟ اظهار داشتند که: دلیل آن این بود که جمهوری اسلامی اعتقادی به حل مسأله کرد نداشت. تاکنون نیز اعتقادی به این مسأله ندارد و تا زمان ناپودی هم که به ناپودیش یقین دارم - کرد از بین نمی رود اما جمهوری اسلامی از بین خواهد رفت - به آن اعتقاد نخواهد داشت. دلیل موفق نبودن مذاکرات همین بود. زمانی دولت عراق بسیار مایل بود که ما با جمهوری اسلامی بجهنگیم اما ما چنین نکردیم عراق مخالف حمایت ما از انقلاب بود لیکن ما حمایت کردیم. زمانی که پیام خمینی اعلام گردید دولت عراق

را بسیار ناراحت نمود حتی عراقی ها پیامی فرستادند که هر آنچه از ادوات جنگی نیاز داشته باشید تحویل خواهیم داد لیکن مذاکره نکنید. گفتیم که ما مذاکره می کنیم چون ایرانی هستیم و خواستار حل مسأله از طریق آشتی جویانه و مسالمت آمیز می باشیم. اگر رژیم آماده باشد مذاکره خواهیم کرد. زمانی که پیشنهاد نمودند (این ها همه نکات تازه ای هستند که برای اولین بار است که مطرح می کنیم) در صورت اعلام خودمختاری ما آن را به رسمیت خواهیم شناخت و آن را اعلام می داریم. جواب دادیم: وقتی ما خواهان حل مسأله در چهارچوب ایران هستیم اولین کشوری که باید به آن اعتراف نماید ایران است این که (اعلان) استقلال نیست که دول خارجی آن را به رسمیت بشناسند. هنگامی خودمختاری را اعلام می کنیم که دولت ایران آن را بپذیرد. زمانی که جنگ ایران و عراق آغاز شد ما اعلام نمودیم که اگر جمهوری اسلامی فقط وعده بدهد که مسأله کرد را حل می نماید و حقوق مردم کرد را به شیوه خودمختاری به رسمیت می شناسد ما تمام نیروهایمان را که آن زمان نیروی بسیار مقتدری هم بود (جمهوری اسلامی نیز به خوبی واقف بود که ما چه نیرویی در اختیار داشتیم) در اختیار جمهوری اسلامی خواهیم گذاشت و در سنگرهای جنگ با عراق قرار خواهیم گرفت.

در مورد روابط با دولت عراق و مردم عراق استاد حسن زاده گفته اند که تا کنون هیچ فردی. کرد، ترکمن و عربی را در عراق سراغ ندارند که کلمه ای در دفاع از دولت عراق و علیه مردم آن کشور بر زبان حزب دموکرات کردستان ایران جاری شده باشد یا در این زمینه نوشته شده باشد.

استاد حسن زاده با اشاره به سخنان آقای سحابی درباره این که چون دولت ضعیف است طرح مسئله کرد کشور را با خطر تجزیه روبه رو خواهد کرد میگویند: اگر دولت ضعیف است به نظر من به خاطر این است که ایرانی ها، همه ایرانی نیستند چون بین ساکنان ایران تبعیض وجود دارد. همه ایرانیها

یکسان خود را صاحب ایران و صاحب خیر و برکت ایران و شریک در حقوق و وظایف ایرانی خود نمی دانند.

استاد حسن زاده می گویند: کرد ها باید بسیار با سیاست فاصله داشته باشند که از کشور بزرگ و پرخبر و برکتی چون ایران جدا شده به یک حکومت کوچک و منزوی در سطح جهان تبدیل شوند که نه دارای اقتصادی شکوفا باشد نه روابط بین المللی داشته باشد و نه دارای بازرگانی و تجارت باشد. مدت طولانی ای مجبور باشد که امتیازات بیش از حد معقول به این و آن بدهد تا بتواند سر پای خود بایستد.

هیچ کرد مسئولی خواست جدایی از ایران را مطرح نکرده است و نخواهد کرد.

اگر وحدت ملی ایران تضعیف شده باشد کسانی آن را تضعیف کرده اند که نمی گذارند مردم ایران و همه اقوام موجود در آن از حقوق یکسان برخوردار شوند والا با تأمین حقوق مشروع آنها اتحاد و یکپارچگی ایران هر چه بیشتر تقویت می شود.

خبرنگار در خاتمه مصاحبه از استاد حسن زاده دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران می پرسند که: جنبش دانشجویی گامهای تازه ای را در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی برداشته است شما این جنبش را که توانسته استاد سیاسی در ایران را در این مرحله طی نماید چگونه تحلیل می کنید؟

ایشان پاسخ داده اند: من می گویم درود بر دانشجویان، درود بر مقاومتشان، درود بر روحیه شان، درود بر هوشیاری و بیداری شان، شما به استاد سیاسی اشاره کردید، استاد سیاسی هنوز هم وجود دارد اما استاد سیاسی دیر زمانی است که در ایران با همت و اراده همین جوانان به خصوص دختران و پسران دانشجوی شکسته شده است. دانشجویان همواره در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه ملت ایران نقش پیشرو را داشته اند. همواره در صفوف اول مبارزه قرار داشته اند من بر ایشان آرزوی پیروزی دارم، من امیدوارم که این جنبش در دو زمینه گسترش یابد اول آنکه تنها به دانشگاه تهران محدود نگردد بلکه همه دانشگاه های ایران در سراسر کشور را فرا گیرد دوم آنکه مردم دانشجویان را تنها نگذارند. دانشجویان چه کسانی هستند؟ دختران و پسران همین مردم اند، نباید تنهاشان گذاشت. در ضمن دانشجویان اکنون به زبان حال همه مردم تبدیل شده اند، درست است که دانشجویان تحت عنوان مخالفت با خصوصی سازی دانشگاه ها قیام اخیر را آغاز نمودند اما آن ها خواستار آزادی برای همه مردم ایران هستند، خواستار تغییر رژیم هستند و بنابراین زبان حال همه مردم ایران می باشند. وظیفه همه

مردم ایران است که حمایتشان کنند. من ضمن این که برایشان آرزوی پیروزی دارم در همان حال به موفقیشان هم امیدوار هستم. به نظر من دانشجویان بار دیگر پشاهنگ آزادی خواهند بود و پرچم آزادی در سراسر دانشگاه های ایران با دستان نیرومند دانشجویان بر افراشته خواهد شد.

سلامی دیگر، بوسه ای دیگر و احترامی درخور و گل افشانی دیگری تبار دانشجویان باد!

استاد حسن زاده سرانجام بایانات زیر به سخنان خود خاتمه داده اند: امیدوارم که روزی حقایق بر همه روشن شود و ملت ایران این حقیقت را دریابد که قوم کرد یکی از وفادار ترین اقوام ایرانی به سعادت، خوشبختی و تمامیت ارضی ایران است اما ایرانی که متعلق به همه ایرانیان است نه ایرانی که شماری آنخوند به نام خدا و از طریق افترا زدن به دین و مذهب و خدا بر آن حکومت نمایند. ■

۸۳-۴-۹

(۰) ادامه از صفحه ۹ (تحلیلی بر بیانیه...)

بررسی همه موارد فوق و موارد متعدد دیگر حاکی از ادعاهای غیر قانونی امارات متحده عربی نسبت به سرزمینهای ایرانی است که نه از لحاظ تاریخی و نه از لحاظ حقوق بین الملل، مشروعیت قانونی و وجهه ی حقوقی ندارد.

اگر مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی در طول ۲۵ سال گذشته با موارد مشابه از جمله: سخنان ملک فهد پادشاه عربستان در مراسم حج (۱۹۹۴) در مورد بازگرداندن جزایر به امارات متحده، اظهارات معاون وزیر خارجه ی انگلستان در مورد جزایر ایرانی (۱۳۹۷)، بیانیه ی کمیسیون مشترک اتحادیه ی اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در فوریه ی ۲۰۰۲ و اظهار امیدواری در حل اختلاف ایران و امارات بر سر جزایر، به کار بردن مکرر نام های جعلی به جای خلیج فارس در کنفرانس سران کشورهای اسلامی و نشست وزرای خارجه ی کشورهای اسلامی در تهران، توقیف کشتی ها و ملوانان ایرانی در هفته های اخیر و موارد متعدد دیگر از این قبیل، واکنش های قاطع و اصولی متطبق با منافع ملی را انجام داده بودند امروزه شاهد تکرار این ادعاهای مداخله جویانه و گستاخانه از سوی امارات متحده ی عربی، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه ی عرب، اتحادیه ی اروپا و دیگران نبودیم. در مورد مسائل و ادعاهای سرزمینی حتی برای یک یار هم نباید تساهل نشان داد و کوتاه آمد که پیامدهای سنگین و خسران باری برای ملت ما در بر دارد. عدم درک و توجه به این مسائل توسط مسئولان حاکمیت فرقه ای و به ویژه دولت به اصطلاح اصلاح طلب و تساهل و تسامحی که نسبت به این گونه مسائل به کار برده اند باعث گردیده که حقوق اساسی ملت ایران مورد تعدی و تجاوز بیگانگان قرار گیرد و این نوع موارد در پیشگاه تاریخ منت ما محکوم و مردود است. ■

به نام خداوند جان و خرد

پاینده ایران

بررسی ماهیت و چیستی جمهوری اسلامی

از: صفی یار

بر پایه باورهایی است که گاهی دلیل آنها گم شده و به صورت رسوب شده در جامعه به حیات خود ادامه می دهند. افکارها در شرایط خاصی از روابط قدرت مجال بروز می یابند و عده ای بر پایه آن سازماندهی می شوند و دستورات الزام آور را از درون رابطه منشا وجود مردم و عقل به دست می آورند. بر اساس این طبیعت است که حکومت ها به توتالیتم، دیکتاتور، مستبد و دموکرات و... تقسیم می شوند.

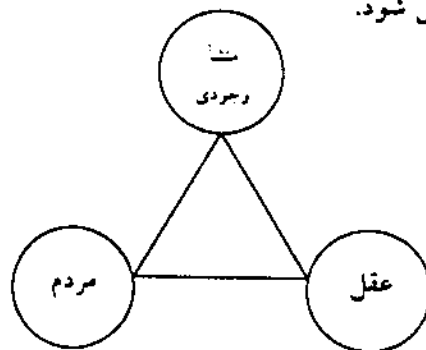
امروزه با توجه به پیشرو بودن ارزش های دموکراتیک و عنایت توجه جهانی به آن تمامی حکومتها سعی می کنند خود را حکومتی دموکراتیک بنامند و زیر نام دموکراسی دستورات خود را صادر و لباس مشروعیت بر تن آن بپوشانند و لذا کمتر حکومتی را می توان یافت که خود را دموکراتیک نامد هر چند به صورت پسوند و پیشوند دار.

و حتی بعضی از حکومت ها تنها شکل حکومتی خود را (ماهیت حکومت خود را) شکل واقعی دموکراسی نامیده و دیگر کشور های داعیه دار دموکراسی را مورد حمله قرار می دهند. اما در پس تمام این شعارها، اعلان ها چهره اصلی حکومت پنهان شده است. برای دیدن ماهیت واقعی حکومت ها باید صورتک های نشسته بر چهره آن ها را به کنار می زد تا چهره واقعی حکومت ها عیان شود.

انسان ها از زمان های دور که حکومت ها شکل گرفتند با روشد فکری در هر مرحله ازدوران زندگی شان سعی در تعریف کارکرد های جدیدی برای حکومت و نهادن هدف های غایی بر آن برآمده اند و در پشت ذهن تک تک انسانها زندگی های ایده آلی نقش می بسته اگرچه وسعت این ایده آل به اندازه حرکت صدساله نسل بعد می بوده. اما به هر حال اگرچه به صورت مبهم امنیت، احترام، آزادی، آزادگی، سعادت، بهره مندی آرزوهای انسان را تشکیل می داده و تمامی این ها را اگرچه نه به یک باره اما به تدریج از حکومت خواستار بوده است. امروزه الگوی

در جامعه های انسانی با پیدایش اطاعت از زور برتر حکومتها تشکیل می شود. مابین سازمان سیاسی در هر دوره ای و در هر مرحله ای از رشد بشری بنا به هوشهایی که متفاوت و گاه متعارض با هدف ملت های دیگر است شکل می گیرد. حکومت "دارنده زور مشروع" علاوه بر داشتن سیمای بیرونی با نهاد های گوناگون و چگونگی آرایش و هماهنگی آن ها با یکدیگر دارای یک ماهیت یا طبیعت است که روح ساختارها از درون این ماهیت دمیده می شود و اگرچه می توان در همه جا حکومت هایی با شکل های یکسان و ساختارهای هم نام دید اما نوع عمل و اهداف و چگونگی فرایند تصمیم گیری منجر به اتخاذ دستورات الزام آور و منابع مشروعیت آن دستورات متفاوت است.

برای یافتن ماهیت حکومت باید دید بر چه پایه ای پدیدار شده و فلسفه وجودیش چیست. "یعنی باید دید که این حکومت وجود خود را از داخل چه نظام فلسفی پدیدار می سازد" با دانستن پایه وجودی پیوندی سه گانه میان منشا وجودی، عقل و مردم تشکیل می شود.



با آگاهی از این رابطه سه وجهی است که ماهیت یا طبیعت حکومت حاصل می شود. باید توجه کرد که طبیعت حکومت در بستر جامعه شکل می پذیرد و از درون آگاهی جمعی یا افکار مملوق جامعه سر بر می آورد. در جامعه افکار و عقاید بسیاری موجود می باشند. ایجاد می شوند، از بین می روند و یا وارد می شوند و در عین حال بسیاری از اعمال و کردار و افکار انسانها

روش به عنوان تنها راه شناخت طبیعت جزو اصول کیش مقدس استالین قرار گرفت. آن‌ها با تکیه بر سه اصل ۱- ماتریالیسم فلسفی که مبنای معرفت شناختی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی به شمار می‌رفت و موقعیت پیشینی بودن ماده بر روح را تعیین می‌کرد ۲- ماتریالیسم دیالکتیک که نظریه عمومی درباره طبیعت شامل جهان مادی، جهان اجتماعی و جهان اندیشه و جهان سیاست بود ۳- ماتریالیسم تاریخی که علم قوانین عمومی توسعه و تکامل جامعه بود. اساس کلیسای مقدسی را می‌ریختند که دارای مومن و مشرک و کافر و قدیس و مرتد و نظام اعتراف و توبه و مجازات و پاداش بود.

در این کلیسای شبه علمی و پرولتاریایی استالین، نظریه ماتریالیسم دیالکتیکی بر اساس برداشت مقدس مآبانه و دگماتیک حزب به صورت مذهب رسمی دولت درآمد و از نظر متولیان کلیسای پرولتاریایی، معیارهای اصلی قضاوت درباره کل امور جهان را فراهم آورد. فرض بر این بود که هیچ کسی جز اعضای حزب کمونیست و بویژه کمیته مرکزی نمی‌تواند دریافت درستی از جهان طبیعت و جامعه و انسان داشته باشد. هر تفسیر دیگری در حکم کفر و ارتداد تلقی می‌شد. کمیته مرکزی تعیین اصول صواب و خطا در هر شاخه از علم و دانش، از تاریخ و ادبیات و موسیقی و فلسفه گرفته تا زیست‌شناسی و فیزیک را منحصر به خود می‌دانست. حزب تعیین محتوای اعتقادات عامه را از حقوق خود می‌دانست و ضمانت اجرای این حقانیت، سرکوب در وجوه متنوع آن بود. دانش و هنر و علم در حوزه صلاحیت سازمان‌های امنیتی دولت قرار گرفت و توتالیتریسمی که در دوران لنین پیدا شد، در دوران استالین به اوج خود رسید (۱) و چنین بود که اعجوبه‌هایی مثل لیزانکو (۲) در عرصه دانش شوروی پدیدار شدند!

هدف از عنوان کردن چنین قضایایی مطرح کردن این سوال بود که آیا شوروی می‌توانست به دموکراسی دست یابد؟ آیا طبیعت او ظرفیت گسترش و تطابق با ماهیت دموکراسی را داشت؟ یا دموکراسی فقط شماری بود برای یک واقعیت توتالیتری؟ و آیا جمهوری اسلامی با شعار مردم سالاری دینی توان چنین تطابق و

دموکراسی در دو حوزه حکومتی و جامعه مدعی پاسخگویی بیشتر - اگر نه کامل تر - نسبت به دیگر گزینه‌های موجود بشری است که به آرزوهای دیرین بشری بیشترین پاسخ را در مقایسه با دیگر گزینه‌ها می‌دهد. پس شگفت آور نیست اگر مخالفان یک حکومت آن را با نام رژیم‌های ضد یا غیر دموکراتیک مورد حمله قرار دهند و از شیوه بارش تبلیغاتی و ایدئولوژیک بهره‌جویند و آن را توتالیتر یا دیکتاتوری یا استبدادی بنامند و در مقابل حکومت‌ها نیز خود را دموکراتیک یا در راه رسیدن به دموکراسی واقعی معرفی می‌کنند. قضیه وقتی بهتر نمایان می‌شود که حکومت شوروی سابق را به کوتاهی بررسی بکنیم: درست در اوج جنگ سرد علاوه بر تسلیحات، ارزش‌های شرق و غرب در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده و هر کدام سعی در جذب بیشتر کشورها و افراد بر آمده و با دستگاه‌های تبلیغاتی خود افکار عمومی و اندیشه‌های اجتماعی را مورد هدف قرار داده بودند. در این زمان کشورهای غرب با توتالیتر و غیر دموکراتیک خواندن شوروی و بلوک شرق افکار جهانی را با ناتوانی‌های ایدئولوژی کمونیستی و نیز آمار وحشتناک نقض حقوق انسانی آن مورد شارش و بارش تبلیغاتی قرار می‌دادند. در عین حال شوروی سابق در مقابل این حملات به پاسخگویی برآمده و خود را چهره واقعی دموکراسی و رها از دیکتاتوری بورژوا و استثمار سرمایه‌داری معرفی می‌کرده و غرب را متهم به دیکتاتوری و استثمار می‌نمود و رهبران آن کشور پا را فراتر نهاده و حکومت خود را نمود واقعی دموکراسی می‌نامیدند و دموکراسی را بدون ایجاد برابری سربایی ساخته و پرداخته بورژوازی معرفی می‌کردند. آن‌ها که مدعی داشتن فلسفه علمی بودند با بررسی قوانین علوم که تشابهی بین آن‌ها وجود داشت، قانون کلی و جهان‌شمولی بدست می‌آوردند و با روش تجربی در صدد اثبات آن بر می‌آمدند. این اصل که دیالکتیک نامیده می‌شد روش علمی و دقیق مبتنی بر احکام عینی و مطلقاً حقیقی نامیده می‌شد و آن را هم نظریه پیشرفته شناخت و ادراک می‌دانستند که هم روش تحول انقلابی قدیم به جوامع جدید و هم روش آینده‌نگری و پیش‌بینی تحولات بود. در عین حال هم روش علم بود و هم ایدئولوژی سیاسی. با این آمیزش، این

ظرفیت چنین گسترش را دارد؟ و یا آن هم شعاری است برای ماهیتی دیگر؟ و کدام ماهیت؟! ■ ...

پی نوشت:

۱- حسین بشیریه، اندیشه های مارکسیستی، جلد اول، صفحه ۱۱۸

۲- لیزانکو: وی یک کشاورز روسی بود که بر اثر تجارب نارسا و نیاز توده یی به میچورنیم (نوعی مارکسیسم قابل به نوارث صفات اکتسابی) گروید. در بحران سال های ۱۹۳۰ حکومت شوروی از نظرات لیزانکو استقبال کرد و به او اختیار تام داد تا برای ازدیاد گندم روش های خود را به کار بگیرد. در زمان استالین وی به سمت مدیر موسسه ژنتیک در آکادمی علوم روسیه و رئیس آکادمی علوم کشاورزی لنین منصوب گردید و سپس تدریس ژنتیک غربی - بورژوازی را در مدارس ممنوع کرد. ودانشمندان مخالف به اردوگاه های کاردرسی فرستاده می شدند. او می اندیشید که ژن دروغ است و برخاسته از تمایلات ایده آلیستی و بورژوازی است. به جای ژن وحدت ارگانیسم با محیط به گمان او موافق با آموزش های مارکس و انگلیس بود. او آشکارا معتقد بود که می توان با تغییر شرایط محیط از تخم گندم، چاردار رویانید و با تزریق خون حیوان سیاه به حیوان سپید، در نسل حیوان سپید سیاهی ایجاد نمود. تنها در سال ۱۹۶۳، حداقل ۱۸ سال پس از کشف ساختمان شیمیایی و فیزیکی ژن و ماریچی بودن آن و قریب ۶۰ سال پس از نظریه زنی بودن نوارث و پس از ۵۰ سال کوشش مداوم و مستمر در راه تشریح و شناخت ساختمان ژن ها در کنگره هاگ از میان شرکت کنندگان روسی که همه لیزانکوویت بودند یک نفر در یک گفتگوی خصوصی به یکی از دانشمندان گفته بود که لیزانکوویت های روسی هنوز منکر وجود ژن اند. اما مایل اند که DNA را به عنوان یک موجود مادی و عاملی که نقش در وراثت دارد بپذیرند. و چنین بود که ستاره بخت لیزانکو آرام آرام افول کرد. ■

بخشی از منشور نیرومندی ملت بزرگ ایران:

نظام قانونی و قضایی:

- انسان، خانواده، ملت و جامعه بشری باید عناصر مورد توجه و تأکید نظام قانونی باشد.
- نظام قانونی بر پایه اصول عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی و عدالت اقتصادی تعیین کننده مرزها و حدود و ثغور و تکلیف هر عضو از جامعه و همه ساختارهای سیاسی و اجتماعی خواهد بود.
- نظام قانونی می باید از سوی قوه قضاییه ای نیرومند، سالم و تأثیرناپذیر (چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا) صیانت شود.
- عدالت قضایی تضمین کننده نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه آرمانخواه خواهد بود.
- خانواده های ایرانی و افراد در برابر قانون یکسان و برابرند.
- صیانت از حقوق و آزادی های ملت ایران و خانواده ها و افراد، از اهم وظایف نظام قضایی است.
- حکومت قانون، آن هم قوانین عادلانه، ضامن حفظ حقوق فردی و اجتماعی است.
- وضع و اجرای قوانین عادلانه، گوهر انسانی را در بستر تاریخ و اجتماع پاس می دارد.
- نظم قضایی پیشرو و منطبق با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملت ایران در مقایسه با حقوق جامعه بشری، ستون فقرات سالم نظام اجتماعی محسوب می گردد.
- هماهنگی بین حقوق و تکالیف فرد و خانواده، ملت و حاکمیت و صیانت از این حقوق و تکالیف، مهم ترین وظیفه نظم قضایی است.
- امنیت و عدالت جز در پناه قوانین عادلانه و اجرای عادلانه قوانین منصور نمی باشد.

« جهان، جهان ملت است »

۸۳ / ۴ / ۱۵

درفش کاویانی

با یاد شیرمرد آگاه، بابک خرم‌دین، هدیه به همه میهن پرستان گرامی: سروده: مصطفی بادکوبه ای (امید)

در این خاک اهورایی، به خاک عشق افتادم
 به دست نیشه عشق است و در این عرصه فرهادم
 ز قعر سینه ی تاریخ می آید فرا یادم !!
 در این مهر آفرین میهن، سرافرازم اگر زادم
 که آموزش نداده درس خواری هیچ استادم
 بر این فرهنگ فخر آور درود جان فرستادم
 نه دست آموز فرعون و نه دستاویز شدام
 رسانم تا به کاخ ظلم همچون کاوه فریادم
 که بر فرق دماوندش، در اوج فخر، بنهادم
 که چشم خود فرو بندد ز فرهنگ و ز بنیادم
 در آن پرواز نورانی چه باک از خشم صیادم
 مراداد و دهش باید که من دلداده دادم
 و من از دیدن صبحی که در راه است، دلشادم

مرا تازی میندازید، من ایرانی رادم
 مرا شیرینترین شیرین، عروس پاک آزادی است
 صدای سیلی بابک به گوش تازیان، هر دم
 سرودم کیش مهر است و سرایم مهد آزادی
 حدیث بنده و مولا به گوش من مخوان هرگز
 چو خواندم درس آزادی من اندیشه کورش
 مرا نوشیروان فخر است و دارا و فریدون ها
 ز ریگستان تازی گر که ضحاکمی بر آرد سر
 درفش کاویانی را بین با شیر و با خورشید
 ز بنیادش بلرزانم هر آن کاخ جهالت را
 به اوج آسمان سیمرخ گون پرمیکشم با عشق
 پیام جاودان ما، پیام مرگ بیداد است
 شب سرد جهالت را امید صبح دانش هاست

پانزدهم شهریور ماه (سالروز بنیاد مکتب پان ایرانیسم)

را به شما یاران و دودمان های ایران پرست شادباش می گوئیم.

طبق روال سالیان گذشته ساعت ۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۸۳/۶/۱۵، پان ایرانیست ها
 گرد هم می آیند تا سالروز "بنیاد مکتب پان ایرانیسم" را گرامی بدارند. از همه آزادگان
 ایران پرست دعوت می شود در مراسم روز "بنیاد" شرکت فرمایند.

پاینده ایران



حزب پان ایرانیست ایران، دفتر شمال کالیفرنیا

اعضای شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست به دادگاه احضار شدند

در آستانه سالگرد هجدهم تیر ماه، هشت تن از اعضای شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست و همچنین رهبر پیشین حزب به دادگاه احضار شده اند. حزب پان ایرانیست این اقدامات جمهوری اسلامی را که به منظور ارباب و ترساندن مبارزان راه آزادی و مردسالاری صورت می گیرد، شدیداً محکوم می کند.

در شانگه نوزدهم خرداد ۱۳۸۳، هنگامیکه محسن پزشکیور، رهبر پیشین حزب پان ایرانیست، به منزل خود نزدیک می شد، توسط دو نفر موتور سوار مورد حمله قرار گرفت و مجروح شد. سر و صدای او باعث جلب توجه عابران شد که منجر به فرار ضاربان گردید. موتور سوار بودند، شیوه حمله، و زنجیری که برای اصابت بکاربردند، همگی نشانگر نقش گروه های فشار حکومتی در این حمله بود. دوشنبه اول تیر ماه هم علاوه بر محسن پزشکیور، هشت تن از اندامان شورای عالی رهبری به دادگاه احضار شده اند. اندامان شورا عبارتند از: دکتر سهراب اعظم زنگنه - دبیر کل حزب، مهندس رضا کرمانی - دبیر مسئول پیشین حزب، قدرت الله جمفری، دکتر ابراهیم میرانی، منوچهر یزدی، اسماعیل رحیمی، حسین شهریاری - اعضای شورای عالی رهبری و دکتر عبدالرضا باستانی - عضو پیشین شورای رهبری.

این دوستان زمانی به دادگاه احضار می شوند که چند روزی بیشتر به سالگرد هجدهم تیر ماه ۱۳۷۸ باقی نمانده است. عاملان نظام بیشترین تلاششان را به کار می گیرند تا از بزرگداشت این روز جلوگیری کنند. تردیدی نیست که هجدهم تیر نقطه عطفی در مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران است. حزب پان ایرانیست این سالروز را گرامی می دارد و بار دیگر قاطعانه پشتیبانی خود را از دانشجویان و جوانان ایرانی و مبارزات آنان در راه استقرار حاکمیت ملی اعلام می کند.

دیر هنگامی است که حکومت فرقه ای جمهوری اسلامی، در تعامیت و کلیت اش، مشروعیت خود را برای حکومت از دست داده است. سردمداران نظام نشان داده اند که بقای حکومت خود را تنها از طریق ارباب و اختناق ممکن می بینند. در آغاز، برای حذف مخالفان، از هیچ شیوه دمدشانه ای رویگردان نبوده اند. صدها تن از فرزندان راستین ایران را در درون و برون مرزها ناجوانمردانه به قتل رساندند. بدنهای افشای قتل های زنجیره ای و روشن شدن نقش مستقیم وزارت اطلاعات در آن، این بار ضرب و شتم، دستگیری های دوره ای و محاکمه های فرمایشی را جایگزین قتل های زنجیره ای کردند. اکنون، قوه قضائیه - که باید سبیل دادخواهی و عدالت باشد - به مرتجع ترین آلت پیدادگری و ستم مبدل شده است.

حکومت فرقه ای جمهوری اسلامی، همانند هر حکومت دیکتاتوری دیگر، چاره ای جز این ندارد که در نهایت به خواست های بحق ملت خود تمکین کند و حکومت را به نمایندگان راستین ملت ایران بسپارد. ضرب و شتم، قتل و غارت، دستگیری های غیر قانونی، احضار به ها و محاکمه های فرمایشی، سانسور و اختناق، هیچکدام نشانگر قدرت و استحکام نظام نیست. بر عکس، این عملکرد تنها نشانگر ترس و وحشت سردمداران نظام است. حزب پان ایرانیست، چونان همیشه، این اقدامات بزدلانه را شدیداً محکوم می کند. به آمران و عاملان این جنایت ها هشدار می دهد که ملت ایران مسئولیت آنان را در ارتکاب این جنایت ها فراموش نخواهد کرد. دیر نخواهد بود روزی که در دادگاهی ملی پاسخگوی عملکرد خود باشند. ■

بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۸۳

به نام خداوند جان و خرد

پاینده ایران



هجدهم تیر ماه، روز دانشجو گرامی باد!

دانشجویان و جوانان مبارز و ایرانخواه

هجدهم تیر ماه یاد آور حرکت حق طلبانه و آزادبخوانانه ی نسل جوان ملت بزرگ ایران به سوی استقرار حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی بر شما و ملت ایران مبارک باد.

بدنیال بیش از دو دهه حاکمیت فرقه ای که حاصلی جز عقب ماندگی و اختناق برای سرزمین ما به ارمغان نیاورده است جوانان آزاده ی ایران زمین . با شجاعت و ایثارگری حرکتی را آغاز کردند که امروز به جنبش همگانی ملت ما برای استقرار حکومت قانون "آن هم قانون عادلانه" و باز پس گرفتن همه ی حقوق انسانی و اجتماعی ملت ایران تبدیل شده است.

حزب پان ایرانیست به عنوان نخستین سازمان سیاسی و حزبی ایران زمین که شمار همه پرسى برای استقرار حاکمیت ملت را مطرح نموده است با درود به همه ی مبارزان و ایثارگران راه سرفرازی ملت ایران . هجدهم تیر ماه را به مثابه ی نقطه ی عطفی در حرکت آزادبخوانانه، حق طلبانه و عظمت جوی ملت ایران گرامی می دارد و بر این باور است که حرکت توفنده ی نسل جوان و بیدار دل ایرانی در همگامی کامل با جنبش آزادبخوانانه ی ملت ایران . به راه خویش برای استقرار حاکمیت ملت از طریق همه پرسى برای تعیین شکل و محتوای حکومت آینده ی ایران بی شکست و تزلزل ناپذیر ادامه خواهد داشت. ■

حزب پان ایرانیست - دهم تیر ماه ۱۳۸۳

پاینده ایران

بنام خداوند جان و خرد

پاینده ایران



ملت ایران هرگونه فرار و قراردادی را که کوچکترین خدشه ای به حقوق انسانی کردها وارد آورد قویا محکوم کرده و کان لم یکن اعلام می دارد

هم وطن

سفر اخیر نخست وزیر کشور پویشی و زاده استعمار ترکیه به ایران و مذاکرات انجام شده پیرامون مسائل مورد نظر دو طرف به شیوه ای که همیشه روش دولت های ترکیه بوده جز در مسیر منافع استعمارگران فریبی و خودکامگی های خیالپردازانه پان تورکیست های زاده استعمار نخواهد بود . آنها در تمام مذاکرات خود با طرف های ایرانی همواره به جذب سود بیشتر به ضرر مصالح و منافع ملت بزرگ ایران اندیشیده اند و گستاخانه و علنی آن را بیان نموده اند .

حزب پان ایرانیست با الهام از اندیشه آزادی بخش و حق طلب پان ایرانیسم به ویژه در این برهه زمانی خاص که جنبش حق طلبانه و ایران گرای کردها در همه سرزمین های به اسارت کشیده شده سوریه، ترکیه، و عراق به سوی احقاق طبیعی ترین حقوق انسانی آنها با پیروزی های تازه همراه می گردد و از آن جا که کرد و کردستان را بخشی ارجمند از پیکره شکوهمند ملت بزرگ ایران می داند هرگونه فرار و قراردادی را که کوچکترین خدشه ای به حقوق انسانی برادران و خواهران دلاور کرد وارد آورد قویا محکوم کرده و آن را در پیشگاه ملت بزرگ ایران و تاریخ جهان و مشور ملل متحد مطرود و کان لم یکن اعلام می دارد و ستم بر مردم کرد را ستم به ملت ایران و خیانت و جنایتی بزرگ می داند. ■

حزب پان ایرانیست - هشتم مرداد ماه ۱۳۸۳

پاینده ایران

بنام خداوند جان و خرد

پاینده ایران



هشدار حزب پان ایرانیست به همه آزادگان و ایران پرستان

هم مین

خبر های رسیده و استنباطی که از تحرکات گوناگون مجموعه دشمنان تاریخی اقتدار ملت بزرگ ایران به عمل می آید حاکی از ترفند و توطئه ای جدید برای تحکیم پایه های حکومت ستمگرانه حاکمیت فرقه ای است.

کنفرانس های برگزار شده توسط عناصری چون برژینسکی و دلانان حاکمیت فرقه ای در خارج از کشور و نحوه برخورد مدعیان مبارز باحاکمیت ستمگر فرقه ای و حتی کاندیداهای احزاب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا و مسئولان دول استعماری دیرین نشان می دهد حرکت خزنده ای برای یزک دوباره و تغییر ظاهری در چهره حاکمیت فرقه ای در راستای ادامه غارت و جباول سرمایه های مادی و معنوی ملت بزرگ ایران از سر گرفته شده است به گونه ای که حاکمیت ستمگر بریده از ملت بزرگ ایران که اینک هیچ گونه مشروعیت ملی، مذهبی و اجتماعی ندارد این بار هم بتواند با چهره ای به ظاهر موجه تر در انظار بین المللی و علیرغم خشونت ویرانگر داخلی آن کماکان به حیات لرزان خویش ادامه دهد و راه را هرچه بیشتر برای غارت سرمایه های ملی و سلبه بیگانگان خون آشام بین المللی و مزدوران داخلی آنان بازتر نماید. امروز زمره های تلخ تعامل و گفتگو با نظامی که ملت ما را به فقر قرون وسطای فکری، اجتماعی، صنعتی و فرهنگی سوق داده است در اغلب محافل که تا چندی پیش ادعای رودر روی و مخالفت و مبارزه با بیدادگران حاکم بر ایران داشتند شنیده می شود و چیزی که اصلاً مطرح نیست فریاد حق طلبی و آزادی خواهی ملتی است که بر اثر توطئه بیگانگان استعمارگر و ایادی داخلی آنان اقتدار آن در هم شکسته شده است.

حزب پان ایرانیست وظیفه خود می داند در این موقعیت خطیر رنگ های خطر را به صدا در آورده و به همه آنان که دل هایشان برای سربلندی و اقتدار همیشگی ملت بزرگ ایران می تپد هشدار دهد که برابر این توطئه بزرگ و هماهنگ دشمنان ایران و ایرانی بایستند و فریب ترفند جدید را نخورند و به چیزی جز آزادی و رهایی قومی ملت ایران از چنگال ستمگر حاکمیت فرقه ای و وابستگان داخلی و خارجی آن حتی برای لحظه ای هم شده رضایت ندهند و تنها راه رهایی را استنراف حاکمیت ملی از طریق همه پرسای آزاد و بدور از عوامل زر و زور و تزویر برای تعیین شکل و محتوای حکومت آینده بدانند و هر نوع تحرک و تلاشی را در خارج از این چارچوب رهایی بخش مردود اعلام نمایند. ■

حزب پان ایرانیست - چهارم امرداد ماه ۱۳۸۳

پاینده ایران

همه اقوام ایرانی

کردها، لرها، بلوچ ها، آذری ها، ترکمن ها، خوزی ها و... پاره های تن ملت ایران و ریشه ای
سترگ و یگانه در عمق تاریخ چند هزار ساله ایران زمین دارند و عظمت و اقتدار ملت بزرگ ایران
مفهومی جز عظمت، اقتدار و سربلندی، توسعه و پیشرفت یکسان و همه جانبه اقوام ایرانی ندارد.

پانزدهم شهریور، روز بنیاد مکتب پان ایرانیسم، تجلی روح جاودانگی ملت بزرگ ایران برای
تجدید مجد و عظمت و یگانگی اقوام جامعه بزرگ ایرانی است.